

مملکت است اگر از عیب دولت خارج گردد بکینه ملت داخل می شود بخلاف سفر خارجه که در هر دفعه چندین مکرور از بول وطن مقدس بدست اجانب می افتد

علاوة حرکت و سیر در نقاط داخله حکم توقف درایت را دارد و در اینوقت که بواسطه اشتغال نار حرب در مشرق الاقصی نام دول تا کمال عجله در فکر آتیه و تداریک لوازم احتیاطیه خود هستند مناسب نیست از مملکت بای بیرون نهند تا بعد چه شود -

واقعات مختلفه

متمن السلطنه مستشار اول وزارت خارجه که از کفایت رجال و تربیت یافتگان عهد همیون است و چند سال جنرال قوساگری حاجی ترخان را که خیلی موقع عمده و اهم است باغایت سیاست انجام داد و در ترقی تجارت ایران منتهای سعی را نموده و کاملاً مقضی المرام گردید - نظر با اهمیت مهم عراق حرب بسمت اینجیگری بغداد و کلیه اراضی بین النهرین منتخب گشته بدان حدود طازم گردیدند

مختم الوزراء بسمت قوسل گری عشق آباد و کلیه ممالک ترکستان انتخاب شدند و در این چند روزه بمرکز مأموریت خود رهسپار خواهند گردید

شاهزاده اعظم ظل السلطان که بجهت اصلاحات جدید بر حسب حکم لوکانه تسریف فرمای طهران شده بود پس از انجام عمل طالبه و وضع صندوق از خاکبای همیون مرخصی حاصل نموده و بطرف اصفهان حرکت کردند

شاهزاده جلال الدوله از حکومت یزد مستعفی و اینک متوقف طهران هستند و بجای ایشان شاهزاده مؤید الدوله برقرار گردید -

معاون الدوله يك هفته است وارد طهران شده معلوم نیست مجدداً بمحل مأموریت خود عودت نمایند گویا سبب عمده حرکت ایشان کسالت مزاج بوده است -

وزیر مختار دولت بیته روسیه در طهران که از نخستین رجال با کفایت و درایت دولت مشارالیه و از زمان ورود او بطهران روز بروز پلتیک دولتی روس قدر نملک ایران ترقی کرده بود و مامده کرکی دو سال قبل دایر بوسعت تجارت روس بسی و کوشش

او منعقد شد چندی بود که کسالت و تقصیرت پیدا کرده بواسطه بیری و ضعف مزاج معالجه سود مند نگردید - هفته گذشته در شمران وفات نمود و فوت او بر رعایای روس بی نهایت متاثر گردید و هنوز دیگری بجای او مقرر نشده است -

رئیس بانگ استقراری روس (کلونو) نام که از رجال محترم روسیه و عضو مجلس شورای خزانه است و محض مسابقه عمل بانگ نظهران فرستاده شده بود و در زمان او چندان بانگ روس ترقی نموده که ما فوق التصور است (اگر چه اینهمه ترقی بانگ را باو نسبت نمیتوان داد زیرا جزء عمده و نوکر صادق العقیده روس دیگری بود مع ذلک نمیتوان کفایت این مرد را نیز منکر شد هر حال چون جنگ مشرق الاقصی موجب بیکاری بانگ گردید بجهتیک که تا بحال دست و پای خود را جمع میکند رئیس مذکور بر حسب احضار دولت متبوعه خود رهسپار ممالک روسیه شد

بتاریخ چهاردهم ربيع الاول در خانه جناب مشیر الدوله وزیر امور خارجه مجلس عقد صیبه مرضیه شان با مفحم الدوله وزیر مختار و یانه منعقد گردید گویا در همین ایام بسبب مأموریت خود حرکت خواهند نمود

ممتاز المملک که از کفایت رجال و جد سال قبل جنرال قوسل کل قفقازیه بوده و از عهد و طائف خوش نیکو بر آهه دند سفارت واشنگتون مأمور گردیدند

اخطارات

(۱) هر يك از ارباب همت بخواند اعانه در حق مدرسه نوروژ بر ما وجه اعانه را بکوسلگری ایران در (ولا دیفقار) یا در خود مدرسه حاج شیخ علی اکبر نقی یوف خامنه که صندوقدار مدرسه است بفرستند

(۲) هر کس مائل باشد طنل خود شرا بمدرسه بدهد باید در اوقات تعطیل از اول ماه (ابون) الی اول (اوغوست) مرخصه بمدرسه بش نماید

قابل توجه وکلای محترم

(۱) اسم هر يك از خریداران را که میفرستند ادرس کامل او را هم بنویسند تا خط روشن و حلی
(۲) هرگاه تبدیل ادرس یا اصلاح یا استغفای خریداری را خواهند عین همان ادرس طبع شده را با داره باز فرستند و دستور العمل را بالای همان

شیراز

واقعات جديد بسیار است اول واقعه کهنه را برای تذکره خاطر ساسی ذکر نمایم که بدانید تا وقتی که در ملک قانون جاری نشود و اختیارات جمیع طبقات از جسمانی و روحانی محدود نکردد کاری از پیش نتواند رفت و اصلاحی که مفید بحال عموم باشد جاری نخواهد شد و اهالی مرفه الحال نخواهند گردید دو ماه قبل که هنوز امور ایالتی فارس به کابینگان حضرت اشرف والا شاهنشاهزاده معظم شعاع السلطنه سپرد شده بود روزی گذارم بدر چاپخانه (مطبع محمدی) شیراز افتاد دیدم سه نفر از جانب پسر مرحوم حاجی سیدعلی اکبر آمده مدیر مطبع آقا محمد هادی ناظم مطبعه را گرفته با حکم احضار آقا که عبارت از هشت و آنکه و چوب و چاقی بود می کشیدند سبب را پرسیدم همین قدر معلوم شد که آقا پنج جلد رساله شرح قطر از او خواسته جواب داده بود ندارم خلاصه درب کای خانه که رسید التماس کرد که مرا مراها کنید تا بیعت شاه پای خود خدمت آقا برسیم چون دست از او برداشتند عقیده آقا بس ناپس زنان اسلام ملحوظ خواهد بود مانند رونا خانه خوش رفته پنهانند بزمان شد آمده های آقا بدون لحاظ از ناموس شریعت در میان زنها ریخته مدیر مطبعه که بدست نیامد ولی طفل دو ساله او پس از چند ساعت فوت شد بابت مردن آن طفل اقوام بسیار است که چندان را حح مقصود ما بیست - با این وضع بی حساسی اگر دولت قانون برای محدود ساختن اختیارات جمیع طبقات جاری می باید نه ملک مسموم و نه عایا مرفه الحال خواهند گردید - اگر چه در فرمانفرمان حضرت والا شعاع السلطنه احدی را نیروی اینگونه احتیاقات نبوده و نیست ولی چه فائده که از نبودن قانون که حکم عمومی پادشاه است نظم و نظام حکومتها نیز محدود و بسته به بیان ایام حکومت است

مکتوب خیر خواهانه

الذمه در روزنامه رسمی ایران نطق اعلیحضرت اندس شهریاری ارواحنا فداء را در رقابیت حال عامه و تنظیم ادارات و و و و و و و و و و مطالعه فرموده اید که ایران خانه من و رعیت بمنزله اولاد من است اگر پادشاهی رعیت من از طرف حکام ظالمی رود و صدمه وارد

ورقه ادرس به نگارند تا اسباب زحمت اعضای اداره کمتر شود (منتظم اداره)

قطعه تاریخ

این قطعه تاریخ را ادیب متخلص به (ارم) فرزانه و فاضل بکانه نتیجه التواجر آقا میرزا ربيع که از اجله ادبای شهر (سمنان) است در تاریخ رحلت مرحوم حاجی امین الله سروده است

§ صدر اعظم از صدارت تا که استعفا نمود

• ملک و مملکت را زاستفای خود بی با نمود

§ خلع کرد از خود شرفیات ریاست را تمام

• رفت در گیلان و بی شغل و عمل ما با نمود

§ مدتی از گیلان در هر چون فارغ اشست

• به آسایش خیال حصر مولا نمود

§ حصرت میرزا عایمان ابن الله تا ناخت

• رختش رفت سوی خنت پشت بردنیا نمود

§ بیک تار عرصه دانش جهان عدل و داد

• از جهان رفت و جهان را رعم پیدا نمود

§ زرف هم ت معراج تقرب و اند و رفت

• در میان بحر حدت قطره آسا جا نمود

§ قاب قوسین بهت از طریق فوت یافت

• تکیه بر جب حق و اولئك او ادنی نمود

§ هر چه همتی درهای جان جان فروخت

• جان جان خرید از جان چه خوش و دانا نمود

§ عدلب باغ خدمت رفت در حلك اندرون

• کلک کلار دل در زیر کلی سکتا نمود

§ صد جهان دانش بحوف خاک پنهان گشت آه

• افرینش را دو چشم ارگرمه خون بلا نمود

§ دیده آبای علوی در عنانش اشک ریخت

• مادر دهر از عم مهران او غوغا نمود

§ آخر ماه صفر از عالم فانی گشت

• رفت در صدر جهان ماوان نمود

§ و اوسبت آه و اوایل ار این غوغای عامه

• عشر علمی رمرگش شش جبهه بریا نمود

§ صدواعظم ار حرم رفت (م) در ماتش

• دامن صحرای حان از شک خود دریا نمود

§ تاج اعظم بر سر تاریخ او نهساده و گمت

• از دل و جابرفتن و جنب قرب پزدان جا نمود

آید مثل این است که با وارد آمدن استانی اخره با این حال (توود میخ آمی بر سنگ) در جلایک پادشاه به نفس نفیس در مجلس رسمی با حضور وزرای کبار و رجال و حکام دوی الاحشام این طلق را ایراد فرماید مسلم است باید حکام تاتی بولینمت خود کنند غالب حکام تاتی میجویند ولی مامورین جزه برای نفع عاجل خود عزت و غیرت و حیت ملت و قومیت را بیاد فنا میدهند البته این قتره به تمام کره ارض منتشر شده است که ملك الملوك مشرق یا سلطان با اقتدار اقصای شرق یا همسایه شمالی ما چها کرده و میکند برعکس قنود او در مملکت ما آنا فاما زیاد می شود و بخت زیادتی کرده رعب آن از بی حقیق و بی غیرتی خودمان زیاد میگردد از ماست که بر ماست

این بنده بهیچ نیرزیده یقین میدانم که وسکبل یا وقایع تکار ممرض شا هیچوقت این گونه احوالات را باداره اطلاع نخواهد داد و تا یکدرجه حق هم دارد بجهت اینکه اگر چیزی نویسد یا شبهه در حق او رود نارو بود شرا بیاد میدهند جز خدا کیست که دادرسی نماید - خدا حوصله خیلی دارد حاکم هم مقتدر و چوب خدائی صدا ندارد و در مملکت هم قانون اساسیه جزائیه عدلیه نیست که آدم از روی قانون و قاعده بتواند حرف خود را بگوید و هر که باشد توهم نکند چون این مطالب درمیان است ظلم - جور فساد بی انصافی بیرونی و همه چیز رواج مملکت شده بدیهی است وکیل یا وقایع نگار تا بک اندازه محافظت خود و حفظ جان را واجب دانسته دم فرو می بندد - اما بنده چون عازم مرنگستان و روسیه هستم آنچه را درنهم ربيع الاول در بندر انزلی در جبین عبور معاینه نموده مینگام و آن این است

حصرات کرجی بانهای انزلی طرف گتنگو ناکریان (ناوژو) روس شده نایب قونسل روس بجمایت رعیت خود برخاسته در آن معرض با قزاق حاضر شده شش لوله بطرف کرجی بانها چه خود و چه قزاق حواله نمود ولی خالی نکردند کرجی بانها مراتب را ممرکز طهران و فرمان فرمای سکیلان عرضه داشتند نایب کارپرداز هم به قونسل رشت را بوردت داد - بالاخره

(لوا الملك) مامور باثلی شد ده قتر از کرجی بانها را با حضور نایب قونسل روس مجازات داد و رضیه خاطر او بعمل آمد از همه بالا آنکه فرمایشی حکومت انزلی هم چوب کجاری شد و او را منزل نمود دو بست توطن هم حق مأموریت یا خدمتانه گرفته برشت مراجعت کردند ناموس ملك و ملت و دولت بهولمی خاطر نایب کار پرداز همسایه بیاد میروند نه شاه خبر دارد نه شاهزاده هرگز شاهنشاهزاده اعظم راضی نیست رعیت و برادرهای او که فرزندان پادشاهند تا این اندازه ذلیل اجانب باشند در خانه خودشان تومیری خور خارجه کردند حالا با این وصف باز بی انصاف ما میگویند قانون اگر باشد کارها خوب خواهد شد آیا قانون از این بهتر و بالاتر می شود که پادشاه به نفس نفیس در مجلس رسمی نطق در رقابیت عموم رعایا و برابری نماید؟ دیگر شخص سلطان بشخصه نیاید شباه روز دور مملکت بگردد و در هر مجلس استتطاق حضور بهرساند برای هر اداره مأموری تعیین کرده مأمور تقلب میکند عرض و ناموس ملت حوهر را بیاد میدهد چه باید کرد حکایت کرجی بانها و طرف شدشان با نایب قونسل روس در انزلی متصل است چون در راه هستم مختصری اطلاع داد مطول آنرا من بعد بمرض خواهد رسانید

بقیه تلکرافات

(۱۹ ربيع الثاني - ۴ جولائی)

تلگرافیکه از جانب سفرای دول خارجه به پترسبرگ رسیده ظاهر میدارد که بمناسبت موسم باران ممکن است چند روزی جنگ موقوف شود - غالب راهها گل و خراب و لشکریان بجات اراضی یابسه در حرکت اند

خبر روتر از (لیاویلتنگ) خبر میدهد که دره (تیلنگ) را ژاپونیان تا کون تصرف نموده اند و عدم تصرفشان بواسطه بارندگی زیاد بوده ولی قشون ژاپون در دو جانب دره خیمه زده منتظر ایستادن بارندگی جنرال (کروپاتکن) بخمال تعیین حاکم بواسطه اران بجانب (هیچنگ) عودت نمود

§ خبر تصرف لشکر کریمان روس در باره دو دره تکذیب شده

(۲۰ ربيع الثانی - جولائی)

§ اهالی (ولادبودسک) بمصائب سخت دچارند و بواسطه خطر و علا غالب مردم فرار نموده اند

§ وزامه طمس لندن مینویسد که فعلاً به تصدیق رسیده که در تحت امر جنرال (سکروپاتکن) یکصد هزار قشون است و امید میکند که بیست هزار قشون دیگر نیز بکس او برسند - است که بعضی را برجنرال

موسوف ابراه وارد آمده که با این استعداد کافی چرا نباید درباره حفاظت بندر آرهر سی و اقدام نماید

§ دولت روس حکم بجمع لشکر کریمان ردیف نافذ کرده تمام را بر اسلحه آورده محاب اقصای شرق کسپل دارد

§ بموجب خبریکه از (توکیو) رسیده از راه هوا و عبر دریا روسیان فائده حاصل نموده در (موتینگ) قریب صبح بیک فوج ژاپون حمله بردند - ولی ژاپونیاں حمله آنها را رد کرده بانقضا و فر عقبشان نشایدند - قضاں ژاپون در این جنگ چهل و پنج نفر بقتل آمده است

§ بموجب خبر رسمی که از پترزبرگ رسیده در جنگ (موتینگ) بدو لشکر کریمان روس باسرفسنگ بر ژاپونیاں حمله نموده آنها را عقب نشاندند - چون کنگ بقشون ژاپون رسد - روسیاں شکست خورده نه افسر و دوست سرانیشان بقتل رسید

§ تاریکی از جانب دولت روس اعلانی اشاعت یافته که ارجح مصافحت و مستعمرات روسیه ارباب سلاح و جنگ در پترزبرگ ، مسکو و خیف وغیره - که مزارح جنگی است جمع شوند

§ اخبار (کولس گرت) آلمان میبوسد که هرگاه جهازات جنگی روس در بندریکه قبضه آن یعنی (کنچوجو) به رند دولت آلمان از مسلک بیطرفی انحراف نخواهد و رند -

§ دولت روس از دولت انگلیس خواهش نموده ومعااهده مسکوده است که در بحیره (پیرک) حقوق عامگیران روسیه را حفاظت نماید - دولت ژاپون نیز این معااهده را تصدیق نموده است

§ از پترزبرگ تلگرافاً خبر رسیده که لشکر کریمان ژاپون در قریب (لیاوانک) مقام مرتفع ملی را بچنگ آورده در آنجا بساختن سنگر و حفظ قشون اقدام نموده اند

§ روز نامه طمس مینویسد که از روی تحقیق ها قریب ژاپونیاں جمیع راه آهن منچوریا را متصرف خواهند شد

§ بموجب خبریکه از بنف سن بروژنامه استندود رسیده بتاريخ ۲۷ در چینیکه ژاپونیاں چهار گزمه روس را در بندر آرهر غرق نمودند لشکر کریمان ژاپون در دانئی بمحاک آمده تدارک حمله بر بندر آرهر را مینمودند - و تا چند روز دیگر نتیجه آن ظاهر خواهد شد

§ چون از مسکدن تا پترزبرگ هفده روز خلوط رسیده ظاهر می شود که راه آهن را در کمال جستی و جلاکی تعمیر نموده - از دور دریا چه بیگال همه روزه هشت قطار راه آهن حرکت مینماید

§ بموجب خبریکه از (مکدن) رسیده یکصد و بیست هزار قشون تا تاریخ ۱۷ در تحت حکم جنرال کروپاتکن بوده - و همه روزه بر قوای عسکری او چهار هزار افزوده میشود از اینرو بر استحکامات (لیوجوانک و هیچنگ) می افزاید

(۲۱ ربيع الثانی - ۶ جولائی)

§ دو چهار جنگی روس (پترزبرگ - سواستوپول) که حامل قشون دو طلب بودند از (سفرس) گذشته ولی تاکنون معلوم نیست که تکدام جهت حرکت خواهند نمود و بر چهار (سواستوپول) نشان صیقل سرخ باند نموده بودند - ارشهر (سواستوپول) تلگرافی رسیده که دو چهار مذکوره باندازه دقال حمل نموده اند که کفایت وقتن و آمدنشان را به نماید

§ جنرال (ساحاروف) که در جنگ (موتینگ) الای مناره نمانا میکرد شرحی از دلیری و جوانمردی قشون روس درین میدان رپورت داده مشارالیه میگوید که بتاريخ سوم لشکر کریمان روس ژاپورا در (سوجیتنگ) چهار میل عقب نشاندند

§ لشکر کریمان ژاپون در دره (بیلنگ) بیاد قلعه مینابند

§ اهل خبرت و بصیرت و ارباب جنگ از اخبارات متناقضه که از میدان اقصای شرق می رسد متحیرند

گامی خبر پیشقدمی و کبی اخبار عقب نشستن در يك میدان بیان می شود

§ مغربان روس و ژاپون توام بیان مینمایند که لشکریان ژاپونی در اطراف بندر آرتر جمع میشوند و بجانب مشرق و جنوب دو دویژن ژاپون نزدیک بیکدیگر رسیده اند (دویژن در ژاپون عبارت است و پنج هزار است)

(۲۲ ربيع الثانی - ۷ جولائی)

§ جنرال کروکی ژاپونی بیان مینماید که بتاريخ چهارم بواسطه حمله لشکریان روس در (مونتینگ) بدو دست به یقه شروع جنگ و با سر نیزه طرفین بیکدیگر حمله نمودند - عدّه مقتولین ژاپون بجاه و هفت بشمار آمد و روسیان نود و سه مقتولین و مجروحین خود را در میدان گذارده فرار نمودند

§ فرما فرما و سپهسالار کل که ژاپون برای صوبه منچوریا معین کرده از (توکیو) حرکت نموده تا در منچوریا بوطائف عهده حلوش عمل نماید

§ وقایع نگار دیلی تلگراف از (لیاویانگ) مینویسد که در ۲۵ میل متصرفات روس در منچوریا تنور جنگ روشن و مجروحین زیاد از روسیان بدین جانب حرکت می نماید

§ مغرب روتر از (تیت س) خبر میدهد که کشتی موشک روس (برون کوف) بتاريخ ۳۰ جون صحیح و سالم وارد بندر آرتر گردید - و کشتی موشک ژاپون شب یکشنبه وقتیکه خواست وارد بندر آرتر شود غرق شد § جهاز جنگی روس (سمولنگ) از اودیسه گذشته است

§ یکی از جهازات کرمه ژاپون مصادم با سرنگ دریائی شده در قرب (تالینوان) بتاريخ پنجم غرق شده است § امیر البحر (اسکریدلوف) بیان میکند که دسته جهازات ولادیودسک بتاريخ سوم در خلیج (بروش) بهفت جهازات جنگی ژاپون مقابله شده جهازات ژاپونی آنها را تعاقب کرده و شلیک نمودند ولی نتیجه حاصل نگردید - یازده جهازات موشک ژاپون حمله نمودند و دو فروند آنان غرق گردید - علی الصبح جهازات ژاپونی غالب شده هیچ گونه نقصانی به جهازات روس نرسیده بود

(۲۳ ربيع الثانی - ۸ جولائی)

§ امیر البحر (اسکریدلوف) بیان میکند که جنگ مذکور الفوق بتاريخ اول جولائی بود و دو کشتی موشک ژاپون بطور یقین غرق شده است § جنرال (سخاروف) بیان میکند که لشکریان ژاپون در مشرق و جنوب (مکن) فاصله سی و هفت میل مقام منی را بچنگ آورده اند

§ مغرب روتر از (ویپایوی) خبر میدهد که شتتاً جهازات جنگی انگلیس روانه شد و گمان میرود که جنگ در طرف خلیج (پچلی) خواهد شد - از نیرو حکم شده که اجانب خلیج (پچلی) را خالی نمایند § جهاز روسی که حامل قشور دو طلب بود وارد (سوین) شده محانب (ولادی و دسک) حرکت نموده دغال زیادی در او موجود بوده است

§ مغرب روتر از (تیت س) خبر میدهد که کشتی جنگی انگلیس (اسپیکل) از (بیوجوانگ) روانه شده در (چنگ و انگنو) رفته - روسها از قیام وی در آن بندر عذر آورده اند

§ مغرب روتر از (جیو) خبر میدهد که فراریان چینی اظهار داشته که بتاريخ پنجم لشکریان روس (نکوشان) بالا رفته بمشوق و شمال قله رسیده اند این کوه نابندر آرتر سه میل فاصله دارد

§ قلعه نمبر ۱۶ روس را بتاريخ ششم ژاپونیان قصه نمودند

§ مغرب (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که رسماً اعلانی شایع شده که هرگاه کسی اراضای لشکری ژاپون حرکات لشکری و خیالات قشور را افشا نماید - زای سحت خواهد یافت - این است که وقایع نگاران جراید و قوسلات خارجه را بفاصله ده کلومتر دور از اردو نگاه میدارند

§ جنرال (سخاروف) بیان میکند که بتاريخ ششم ژاپونیان از دره (سگ) و (بچنگ) فرود آمده پیش قدمی نموده لشکریان روس را عقب نهانده قصاب ریوی بدانها رسانیده اینک ژاپونیان دوهشت میلی (کیچو) توقف دارند

(۲۴ ربيع الثانی - ۹ جولائی)

§ مغرب روتر از (توکیو) خبر میدهد که پنی از

کتر شوپجنول (اوکی) دبروز (کپنک) را قبضه نمود
 باجنگار دلی کرانیکل از (نوکیو) خبر میدهد
 راپونیان دوازده هزاره توپ روسی را در (کیچو)
 غنیمت گرفته و بجای نفر لشکرمان را اسیر کرده اند
 § جنرال (سهاروف) را عقیده بر این است که
 لشکرمان ژاپون که بجانب جنوب حرکت میانند ۲۵
 هزار پیاده و دو فوج سواره و بجای توپ است مهم
 مقدمه الحیش آنها در (سایت) که قرب مشرقی
 راه آهن واقع است دیده شده و بجانب راه آهن
 حرکت مینمودند

§ کشتی روس (سولین) که حامل قشون دو طلب
 بود از (سویز) گذشته دغال زیادی نزع داشت افواه
 است که در (جوتل) بجای هراتن دغال حمل نموده است

اعلان

حسب الامر وزارت خارجه هند جميع زائرین عنبات
 طالبات را اعلام می شود که از جنرال قوسلگری بغداد
 به مضمون دیل تلگرافی بوردات خارجه هند رسیده

مضمون تلگرافی

بواسطه شیوع مرض وبا در کرمان و نجف زوار
 همواره از دخول بمكان عنای ممنوع اند

ترجمه از اخبارات انگلیسی

یکی از جنرالان روس که در جنگ محروم شده
 و او را به (نیوجوانک) فرستاده اند بیان میکند که
 در آن میدانیکه وی محروم شده همت هزار لشکرمان
 روس محروم گردیدند سردار هوسوف می گوید که
 امروز در وی زمین هیچ لشکری مقابله با قشون
 ژاپون نمیتواند کرد در شاه باری و جستی و جلاکی
 و حرکات میانی لشکر ژاپون مالی ندارد هم ژاپویان
 در قتل انصران روس پیش از سرباران روسی است
 اخبارات روسی می نویسد که فتوحات ژاپون را
 مهذبانه نمیتوان گفت - چرا که از جان خود گذشته در
 میدان جنگ بر پروا بر خصم حمله می نماید این است
 که تا این دو سه آن را فتوحات دست داده هرگاه
 ژاپویان مهذب بودند بی دریغ و رایگان در میدان
 جنگ جان نمی باختند یکی از منتصین میگوید که مصداق
 قلم در کتب دشمن است اینگونه مقالات میباشد یعنی

صفات مدوحه لشکرمان ژاپون که دال است بر عصیت
 و غیرت ملی و حمیت قومی و حمایت وطنی که بهترین
 صفات انسانی از بدو عالم تا کنون شناخته شده و حمیت
 جلوه میدهند چرا که روسی دارند فتوحات ژاپون را
 جسته جسته بناوین توهین آمیز تصدیق مینمایند
 حالات اندرونی ولادی ووسک می نماید که عملاً قریب
 اهالی فرار نمود لشکرمان ساخلوی روس نیز از آنجا
 بناچار حرکت خواهند نمود اغتشاش اندرونی از حد
 زیاد و ارزاق علاوه بر گرانی گیر نمی آید

روزنامه (سولاندملتری گزت) می نویسد که سپهسالار
 روس امروزه دچار مشکلات عظیم است چه راه آمد و
 رفت آنها را لشکرمان ژاپون گرفته نزدیک است ابواب
 محاصره شان را سد نماید ناچار باید بجانب مسکدن یا
 هارین فرار نماید که نتیجه آن بیکو نیست

مسرت

نواب سید یوسف علیخان که از اجله شرقا و نجیاه
 و رؤسای کلکته و از خاندان حایل و پدر در صاحب
 حشمت و همت بوده اند - بمقام سید امیرعلی قاضی عدالت
 العالیه کلکته با انتخاب عمومی مات بر حسینیه حسنیه هوکلی
 ناظر مقرر گردید - عم و پدر مرحومشان نیز نظارت
 حسینیه را داشته اند - چون بحیثیت علم و درستکاری و
 بی غرضی و صاف بیان شایسته این مقام منیع بود
 اعضای اداره حل المتین از جانب خود و عموم شیعیان
 ایشان را تبریک گفته از خداوند توفیق است شان را
 خواهانند که در این وطینه مقدسه مانند پدر و عم خود
 به حفظ حقوق عامه شیعیان مساعی حیل که درخور
 مقام و شأن این مقام و ایشان است بجای آورند

کلکته

درین هفته زاید بر آنچه متصور بود بارانهای
 شدید بارید و برخی از عمارات کعبه را نیز صدمه
 رساند

هراج جانی بوم جمعه حسب الممول شد درین هراج
 بالغ رهنده هزار صندوق جانی بود با این همه ارقیمت
 جانی نگاهید با کعبه جنسهای متوسط اندکی گران تر
 عروش رسید امسال گمان نمیرود بازار جانی تنزل نماید
 و برای حمل روسیه نیز کمتر از سال گذشته خرید نمیشود

«چهل التین کلکتہ»

«روزنامه مقدس»

«قیمت اشتراک»

«مدیکل کالج استریت نمبر ۴»

(سالانه - شش ماهه)

«کلیه امور اداره با»

«هند - و برمه»

«مدیر کل مؤبد الاسلام است»

(۱۲ روپہ ۷ روپہ)

«منتظم اداره»

«ایران - افغانستان»

«آغا محمد جواد شیرازی است»

(۴۰ قران ۲۵ قران)

«مردوشنبہ طبع»

«عثمانی - و مصر»

«(رومہ شنبہ توزیع میشود)»

(۵ مجیدی - ۳ مجیدی)

«(تاریخ ہوشنبہ)»

«اروپا و چین»

(۴ جمادی اول ۱۳۲۷)

(۳۰ فرانک ۱۷ فرانک)

«مصادف با»

«روس - و ترکستان»

کابلین

سنة ۱۳۱۱

قبل از دریافت نمودن قبض اداره «روس - و ترکستان» (۱۰ منات - ۶ منات)

در این خریدہ از ہرگونہ علوم و وقایح - سیاسی و منافع دولتی و فوائد مافی بحث میشود

چون مراسلات عام المصنہ معبول و در انتشارش اداره آراست

فہرست مندرجات

سیاسی • داستان روسیا • مکتوب یکی از رجال محترم طهران • مکتوب خیرخواہانہ • مکتوب دانشمندانہ • قابل توجہ حجج الاسلام • خطبہ مصلحانہ • اعلان چهارم اداره بلدیہ طهران • ایضاً نجوم • اصلاحات جدیدہ ترجمہ از اخبارات انگلیسی • تاسککرافات • اخبارات خارجہ • ورود •

سیاسی

برخی از جرائدیکہ میتوان تا یک درجہ حامی پلٹیک روسشان خواند می نویسند کہ تا کنون خیالات سپسالار جلیل القدر روس جنرل (کرویاتکن) بمدانہ محدود و پیش قدمی - حلقہ بردشمن را قبل از وقت داست و غیر جائز شمرده است - اینک کہ راہ آہن دریاجہ (سیکال) مکمل و متوالیاً کک بجنرل موصوف میرسد نہیہ پیشقدمی را بطریق کامل دیدہ و مانند (لارد لابرٹ) در جنگ ترسوال تمام قوت خود را بیک جانب متوجہ ساخته پیش خواهد رفت

اخبارات مذکورہ می نویسند کہ دوات روس برای تصفیہ جنگ اقصای شرق تہیہ و تدارک دو میلیون قشون دیدہ و تا آخر جولائی ماہ جاری سیصد ہزار لشکر نحت امر و فرمانرمان جنرل کرویاتکن موجود مخواہد بود - دولت روس در برلن بیجاہ میلیون (مارک)

و در پاريس صد مليون (فرانک) حواستکار استقرض کردیدہ و تا یک اندازہ کویا در (برلن) مقضی المرام شدہ است - اگرچہ این مبلغ در مقابل مصارف این جنگ بزرگ و لشکرکشی عظیم قایل است ولی بارہم میتوان گمت در صورتیکہ این خبر تصدیق شود روح نازہ بحجم قوای جنگی روس دمیدہ شدہ است

برخلاف آن اخبارانیکہ ہوادار پلٹیک ژاپونند مقالای چند ہوشہ طاہر میدارند کہ قطع روس را در میدان اقصای شرق موایی چند در چند پیش است کہ مخالف با امور طبیعی شناختہ می شود

و خیالات دانشمندانہ مبصرانہ (جنرل میکل) کہ از سرداران جلیل القدر آلمان و از سال ۱۸۸۵ الی ۱۸۸۸ در خدمات عسکری ژاپون مستخدم بود و امروز در قطار اولین سرداران آلمان بشمار است دلیل می آورد چہ دربارہ جنگ اقصای شرق سوالی چند از جنرل موصوف شدہ جواب کافی دادہ است - جنرل مشارالہ می گوید کہ ہونزدہ سال قبل قوای جنگی ژاپون مصنوعی بود - ولی در این ہرصہ قائل قسمی کہ قوای جنگی ژاپون نمود حاصل نمودہ حیرت انگیز است و از بہترین قشون و مشاق ترین لشکریان اروپا ہر چیز جزو و هیچ مورد کہ

از جنرال موصوف پرسیدند که دولت ژاپون تا چه اندازه میتواند در میدان اقصای شرق لشکر فرستد - جواب داد که هماره دو بیست و پنج هزار سصد هزار لشکر تحت السلاح موجود دارد و از قشون ردیف مشاق عالم بصیر چهار صد هزار زیر سلاح با جمیع لوازم در هر آن میتواند آورد ازین رو ظاهر است که بدون هیچ اشکال ژاپون مقصد هزار لشکر جرار در منچوریا گسیل میتواند داشت (در این جا فقط بحث از قوای بری ژاپون است) بعد از تقریر این عنوان (جنرال میکل) اظهار داشت که این مقدار قشون را تا فیصله جنگ اقصای شرق برای ژاپون کافی توان گفت - چه دولت روس با منتهای کوشش و کمال جد و جهد زاید بر این نمیتواند در منچوریا لشکر مهیا دارد - چه حاصلات منچوریا کافی از حوائج نصف این مقدار قشونیکه ذکر کردیم نیست - غالب اراضی منچوریا بازر و محصولاتش محدود میباشد - این امر نیز معلوم است روس نمیتواند حوائج این همه لشکر را از پنج هزار میل مهیا دارد - پس از روی وثوق و اطمینان میتوان گفت که دولت روس را متمسک بل محال است که زیاده بر سیصد هزار لشکر در منچوریا با حوائج کافی آن فرستد

در ماده تصرف و تسخیر ژاپون بندر (آرتھر) را از جنرال مشارالیه پرسش نمودند - جواب داد قشونیکه (کنچاؤ) که صفت ترین مقامات و مشکل ترین مواضع بود فتح نماید نمیتوان گفت که فتح بندر (آرتھر) برای او دشوار باشد - دولت ژاپون از فدا نمودن پنج شش هزار لشکر بلکه در حال لزوم زیاده بر آن در تسخیر بندر (آرتھر) دریغ نخواهد نمود - عموماً لشکریان ژاپون در راه وطن و دولت و عزت قومی از بذل جان دریغ نمی دارند بلکه با منتهای بشاشت و کمال خوشروئی سرمایری میباشند - اهالی ژاپون با غایت مسرت و شغف قلبی شامل قشون می شوند - هرگاه ژاپون بخواهد جا خالی دو بیست هزار لشکر را بکند زیاده بر یک ماه مدت در کار ندارد چه اهالی با رغبت تمام شمولیت در قشون را طالباند - زیرا که از قدیم صنف لشکری از سایر طبقات معزز تر و مفتخر تر قرار یافته و عقیده را بزرگان بطریق ارث در قلوب فرزندان

خویش و دیمه نهاده اند - بزرگترین طبقات ژاپون تا وقتی که شامل اداره لشکری نبودند برای آن شرافت و وقار و افتخار لشکریان نخواهند شد این است که جمیع اهالی ژاپون محض کسب افتخار و شرف زحمات کشیده خدمتها نموده تا بدین شرف نائل گردند - و گویا بدین نکته ژاپونیان از آیه وافی هدایه (فضلا لله المجاهدین علی القاعدین) برده اند - چون مشق جنگ در اهالی ژاپون عمومیت دارد هرگاه ژاپون از عهده لوازم جنگی برآید تحصیل قشون برای اودشوار نیست و هر قدر قشون وی در این میدان تلف شود فوراً جابجایی آرا بر میتواند نمود - یعنی قوای او مضمحل نخواهد گردید - بواسطه همین کسب افتخار ملی است که والدین فرزند دلبنده خود را مانند دامادیکه بجهله فرستند رواه میدان جنگ میکنند و زن از شوهر گذشته با نهایت قوت قلب و پرا ترغیب در مقابله بخصم میدهد و درین موارد هرکس از فراق فرزند و یار و دلدار خود بگریه سرزنش و توبیخ و تحقیرش می نمایند فتح را عزت قومی و قتل را جنت شخصی دانسته اند - پس با این ملت غیور وطن دوست سرباز وطن لشکریان روس تا کجا میتواند برابری نمود

از جنرال موصوف درباره آخرین نتیجه جنگ سؤال نمودند - جواب داد صکه تبدیل این صفات ژاپونیان قرون متوالیه در کار است - این جواب مبهم خیلی عمیق و سر بسته است یعنی در شجاعت و وسعت حوصله لشکریان ژاپون هیچگونه فرق پیدا نتواند شد و اسباب جنگ و ما بحتاج آنان همه وجوه موجود و علم جنگ و نظام قشون وی نیز کامل است قشون ژاپون در جراری و خیرگی و دلبری اول قشون و توجیه آن او به همه جهت بر خصم ترجیح دارد - سرداران ژاپونی را عموماً بواسطه حسن تعلیم و شوق بکسب فنون جنگی دماغی بسیار موزون و خیالی خیلی عالی در سر - بیشتر افسران کوچک ژاپون را لیاقت و قابلیت سرداری موجود است - و این علو دماغ در سرداران و افسران روس و ساز دول کمتر دیده می شود

سخنان (جنرال میکل) آنگاه همه صاف و ساده و بدون تعلیق است و جمیع اخبارات اروپا و

امریکا با توجیه تمام به آرای او توجه نموده یا منتهای اهمیت در اول ستون اخبار خود جلی داده اند از جهت بلیک روسیان یکی اشاعت اخبارات کاذبه و انتشار اقواصات موحشه در قصانات خصم است . چنانچه در تلگراف دوازدهم خبری را از پتسبرگ اشاعت دادند که درحاله ژاپونیا بر بندر آرتر که بتاریخ دهم واقع شد از سی الی چهار هزار لشکریان ژاپون بدریه سرنگ و نارنجکهای زمینی در یک آن هلاک شده اند ازین افواه کاذبه چند امر مدظر بود . یکی آنکه چون دولت روس اعلان قرضه جدیدی در (پاریس) و (برلن) داده بمجرد انتشار این خبر که دال بر فیروزمندی بین روس و حاکمی بر شکست فاحش ژاپون است اعتبار روس را در بازار صرافان زیاد و اطمینان آنها را پیش می نماید و در هرصه دوازده ساعت که موقع تردید آن برسد فائده مطلوبه حاصل میتواند شد . دیگر سندات سهام قروض سابقه روس که در بازارهای اروپا غایت ثزل را حاصل کرده بمجرد انتشار چنین خبر بالا گرفته مبدلی سنگت بدارندگان اسناد سهام قائمیرساند . محتمل است که انتشار این خبر را برخی از ارباب سهام برای منافع خویش بدون اطلاع دولت داده باشند ولی اگر میل دولتیان بر انتشار این گونه اقوال کاذبه نبود هر آینه تردیدش را لازم میداستند .

تلگرافیکه از لندن رسیده بدین گونه تردید این خبر را نموده است

چون دولت روس میداند عماترب بندر (آرتر) در قبضه و تصرف ژاپون خواهد آمد محض نسلی اهالی وعدم توحش و پریهانی رعایا این خبر را اشاعت داده اند تا اگر ژاپون بندر آرتر را تصرف نمود روسها بدین امر مسرور باشند که تا این درجه خصم را نقصان رسانیده اند . مسلم است این خبر مورت تسکین قبل رعایا تا اندازه میتواند گردید . ولی چه سود که آتش درون را باین آبهای آتشین خودگی نتوان داد و عاقبت از اداره مرکز جنگی ژاپون رسماً کلبه این خبر را تردید نمودند . قشون روس در بندر آرتر در شرف اضمحلالاند و این بندر جنگی بزودی در قبضه و تصرف ژاپونیا خواهد آمد و روسیان را این گونه افواصات ابداء سوخته واقع نموده و نخواهد گردید

بموجب تلگرافیکه در پتسبرگ تصدیق شده در دوره (ناشیو) سپهسالار بزرگ روس جنرال (کروپاتکی) را ژاپونیا محاصره کرده اند . اگر درین محاصره سپهسالار روس دستگیر شد و یا بقتل رسید جنگ را از طرف روسیان باید خاتمه تصور کرد و ماتحت عنوان سیاسی در چهار هفته قبل اقدامات ژاپونرا در محاصره لشکریان روس نوشته بودیم

جنگ اقصای شرق تا کنون همان صورت اولیه را داراست یعنی تقدم جستن ژاپون و عقب نشستن روس در هر میدان چنانچه از تلگرافات روزانه مایان است که ژاپونیا هر روز ناحیه را گرفت قامه واستحکاماتش را قاضی شده و می شوند آنچه از نقشجات جنگ معلوم می شود امروزه بالغ بر نصف منچوریا را ژاپونیا متصرف اند و فرمانفرمای جدید و سپهسالار کلیکه برای منچوریا فرستاده استحکامات لازمه و تدارکات مستلزمه دوام و قوام تصرفات ژاپون را متمداند . و چنان مصمم شده اند که تصرفات منچوریائی ژاپون را بقسمی مستحکم دارند که روسیان را بعد در قبضه و تصرف آن یأس و حرمان دست دهد . و انتظام اخذ مالیات و سایر عوارض آن مستعمرات جدید را بقسمی نمایند که هرگاه جنگ بطول انجامد حصه از معارف را از ممالک متصرفه منچوریا حاصل تواند نمود و نیز در تعمیرات لازمه و استحکامات منبغه مستعمرات جدید بقسمی کوشند که هرگاه در یکی از مبادین جنگ لشکریان ژاپون را شکست رسیده عقب نشیند آنان را مقام منیع و جایگاه محفوظی باشد این نکته بر قوت لشکریان ژاپون و اطمینان آنان خیلی می افزاید و روسیان را در صورت غلبه بر خصم نیز دشواریهای گونه گونه پیش می آورد گویا مملکتی را از نو باید فتح باید و این نکته برای رساندن کمک بقشون و تهیه قورخانه و سیورسات اردو بسیار مفید و نافع است

با این تدابیر مشکل است روسها روی رستگاری در این میدان بینند . مشکلات دیگر نیز دولت روس را در این جنگ احساس شده که سرداران روسی در دلخیره های عسکری از قورخانه و سیورسات لجبانه های پنهان نموده و در حین ضرورت با کمال اطمینان از طالب آن ذخائر محروم و مایوس مانده چیز سودن کفب افسوس

سودی حاصل نموده اند. هرگاه دولتی در حال امنیت و وقت آسایش اداره تقشبه را بطریق کامل تدارک نماید و بمجمیع ادارات نگرانی صحیح نداشته باشد لاجمله همان حالی که امروزه روس را پیش آمده روزی او را نیز دچار خواهد گردید

فلاً فائده عمده جنگ اقصای شرق را دولت انگلیس در تسخیر ممالک (تبت) برده و باید عقل و تدبیر و دانش (لارد کرزن) فرمانفرمای هند را نتیجه نمود که مدتی قبل از جنگ پشت و روی این جنگ را نیکو دیده کیسیون جنگی بجانب (تبت) گسیل داشت. هرگاه جنگ اقصای شرق پیش نیامد بود نه دولت انگلیس بدین جرئت و اطمینان در جنگ تبت اقدام می نمود و نه دولت روس با آنها مخابرات رسیده که در ماده تبت نموده باین پایه سکوت اختیار میکرد و نه تبتیان تا این حد تسلیم محض می شدند. کیسیون جنگی دولت انگلیس که تا مدارک کافی جنگ و صلح بجانب تبت حرکت نموده هر قدر رقب خود را دچار مهابه پیش دید پیش قدمی و سستی را پیش نهاد نمود تا عاقبت تبتیان سراز اطاعت پیچیده اندک حرکت مذبحی کرده کیسیون جنگی نیز زمر چشم آنان را گرفته تا وقتی که تبتیان تسلیم صرف شدند. باید دید که معاهده و حکومت هند با آنان چگونه خواهد بود یقین است که مناسبت با معاهدات یکی از امرای هند خواهد داشت

اخبارات روسی مینویسند که دولت انگلیس در این ایام گرفتاری رقیب جنگ اقصای شرق سعی است فواید عمده که مدنظر دارد از ایران حاصل نماید. چنانچه از جانب مجلس تجارت هند کیسیون مخصوص بجانب ایران حرکت خواهد نمود و مقصود این هیئت طاهرا ازدیاد روابط تجاری بین ایران و هندوستان و عقد مقاوله نامه تجارتی بین هند و ایران است. چه دولت ایران را معاهدات تجاری با دولت انگلیس بوده و هست و چون هندوستان نیز یکی از ممالک دولت انگلیس محسوب است همان مقاوله نامه را دولت ایران در ماده تجارت مند نیز مرعی میدارد. اینک حکومت هند را مقاصد عالی مدنظر و دولت انگلیس اراده دارد که فرمانفرمای هند را مدعی و مستقل قرار دهد ازین رو سالی است که مجمع معاهدات قول آسایش را که مانع

بهند است رأساً با حکومت هند قرار دهند چون ایرانیان از سائر اهالی آسیا در سیاست و تمدن و شناختن نفع و ضرر خود عقب اند خواهان است که ابتدا این بتای محکم را برای هند از ایران نماید. قواعد این عمل برای انگلیس و مضارتن برای دیگران بر اصل بصیرت پوشیده نیست (کجان نداریم دروزاوت شاهزاده وزیر اعظم که هجسه سیاست و درایت اند معاهده بین ایران و دول همجواری بسته گردد که مالا مایه خساره ایران و مورث ضرر دولت علیه واقع گردد)

کیسیونیکه دولت انگلیس باسم سرحد بندی دولت ایران واقفانستان در سرحد سیستان یک ویم سل است فرستاده نیز مدنظر چنین روری بود که رقیب خود را ناچار در سکوت دیده فوایدیکه قرنها مدنظر داشته ازین سرحد معظم حاصل نماید. قیام و توقف کیسیون مذکور این مدت متمادی در سرحد سیستان بیرون از اهراس عمده. یاسیه نمیتوان تصور نمود انگلیس در باره جانب بعضی از امتیازات جدید نیز سعی دارند و بعید نیست که مقضی المرام گردند.

اخبارات مذکوره می نویسند باندازه که رسوخ و نفوذ و قوت و اقتدار روسیان بمناسبت جنگ (ترنسوال) و گرفتاری دولت انگلیس در ایران زیاد شد انگلیس را با منتهای جد و جهد در این گرفتاری روس حاصل خواهد آمد. همان قسم که قوت رسوخ و کثرت نفوذ روس نزدیک بود ایران را پای مال نماید در اقتداریکه انگلیس را نیز در آتیه مدنظر است ایران ضمیمه و باود خواهد شد. ولی بعقیده ما دولت خواهی و وطن پروری و نکته سنجی و حکمایت و درایت شاهزاده وزیر اعظم حل جمیع این معاهرا خواهد نمود و امریکه مورث قصان ملت و دولت ایران باشد بوقوع نخواهد رسید

مسلاً همسایگان ما را همیشه خیال پیش رفت متعاضد خود در ایران بوده و خواهد بود و ازین امر نمیتوان آنها را ملامت کرد ما و است که نفع و ضرر خود را شناخته نگذاریم اسباب خساره ما را فراهم کنند مسافرت ذات اقدس متوکلانه پاریس اقدس مسئله کیسیون سرحد بندی سیستان را طبعاً فیضه نموده ازین ماده اهم نیز آسایش کامل دست نخواهد داشت

داستان روسیه

عطف باسق

پس از کشته شدن (یاولو) الکساندر از گذارش آگاهی یافت. بدریای آندوه و یخودی فرو رفته و چندی چنان نیم مردم مدهوش بود که او را دلداری دادن دشوار مینمود که در همان هنگام همگی در باربان و رازدانان و سرداران پسرای آمده خواستند بشهریاری او دست داده و فرمان برداری وی پیمان استوار نمایند نپذیرفته و گفت امپراتورئی که با کشتن پدرم بوده باشد نخواهم پذیرفت مادر وزن او و دیگر خویشاوندان و نزدیکاش آمده و به اندرش پرداختند که این نپذیرفتن چه سود دارد اینک کاریست شده و تبری است از گن گذشته پس ازین مرشهار است که آنچه درخور کشور و پادشاهی است بجا آورید و با اینگونه سخنان او را شکایا نموده پس درباری و سپاهیان با او چنانچه آیین روسیاست دست داده و پیمان نموده و او را پادشاهی ستودند در دوازدهم (مارت - آورماه) تخت امپراتوری نشست و بزودی با انگلیس پیمان تازه نمود. پادشاهی با خرد و هوش خوش رو و خوش خو اما از دلیری و بردباری و همسری بی بهره بود از روی برمی شریست پیرو سخنان این و آن میگردد - از آسو برادرش قسطنطین حوی درندگان داشت درشت خو خشمگین و بی بهره از دانش و هر و ید جهر و دیوانه خو چنانچه در نامهای پیشین نگاشته اند بود

نیروی دریائی و خشکی و گنج و آیین

(و یاسای روس در آن روزگار)

در سال ۱۲۱۱ نیروی خشکی و دریائی و درآمد و بیرون رفت روسیه که دو مرد آگاه (نوک) نام انگلیس و (کیلرک) فرانسوی نگاشته اند در زیر نگارش مییابد. کشور روسیه در خاک آسیا و اروپا از دریای (بخ بسته - منجمد شمالی) گرفته تا بغداد و بوجانغ و دریای سیاه و غوبان و چرکس و دریای مازندران و تانارستان بزرگ و چین و از خاور دریای ژاپون و کلونگی که آسیا را از امریکاجدا میسازد و از سوی باختر تا سامان دانیمارک و اسوج و دریای بالتیک و پروسیا و آتریش و خاکس با اینهمه چنان و

درازی بی بیان که باید از همه پاشاهان زبردست بیشتر داشته باشد و در آمدش بیشتر باشد چون آدم و آبادی برخی از خاکس بسیار کم است بویژه ما جاتی که در سامان (شمال) و آسیای کشورش میباشد زمینهای تل بی آبادانی است. در برخی جایها روستا و دهات دور از یکدیگر دیده میشود که برخی از آنها را شهر مینامند. بیابان بی پایان بسیار دارد چنانچه در آسیا که کشورش به دو فرما فرمای بخش شده که هر یک از این بخشها چندین برابر خاک آماست - اما همان سیصد و پنجاه هزار کس داشته باشد همگی کشور بیجهل فرما فرمای بخش شده. می و دو در خاک اروپا و بازده در آسیا خاکس چنان افتاده که آغاز بروز پادشاهی روسیه از هر سوی سامانش آسوده و ترس ندارد. چنانچه سامان شمالیش بدریای بخ می پیوندد. و دریایان سامان باختریش اسوج میباشد که از او چندان ترس و بیم نیست و در سوی آسیا ابراست که هرگز روا نمیدارد که بروسیه زیان دهد. و در یکسو کشور چین است که در میان او و روسیه بیابانهای پایان هست قره قاباق و بخارا و دیگر گروهان در آن بیابانها هست که اگر خواست باشند باید دست دراری بکنند میتوانند اما اندک ریائی اگر توانند رسد

پس از گرفتن خاک (کورلاندیا) و بخشی از خاک (له) چون با پروسیا و آتریش و عثمانی هم سامان شده از آنجاها همسای دارد و اگر نیروی محتملین عثمانی که چهار سوی همان را بلرزد در آورده بود بجای خود بر گردد از قریم و قوبان او را میتواند براند و همچنین از آتریش و پروسیا هم سامان او گذشتن کار دشواری نیست در آغاز بای تخت روس مسکو بود که در کنار رود موشکه است و شهر بزرگی است برای پادشاهی و بیسادهای بزرگ را داواست و دارای دویست و هشتاد هزار کس است در سال ۱۱۱۵ پتر نخستین که او را پتر دیوانه مینامند در کنار دریای بالتیک برخی جایها از اسوج گرفته در (آقربا) که یکی از فرما فرمایان است که از اسوج گرفته در کنار کلواک رود (نوا) شهر بزرگی از نو بنیاد و بنام خود پتر-بورک نام نهاد و پایتخت پادشاهی روسیه را بدانجا آورد اینک دویست هزار کس در

فروده باشد - پس اینک شمار زیردستان روس باید به
(۳۶۱۵۲۰۵۸) رسیده باشد از روس و قالموق - و
تار - و قران - و ق - و گروه دیگر و باید دانست
که مردم روسیه چند گروهند یکی خاندان مسکن که
دارای نژاد و گروه دیگر کسانی میباشند که در ساسان
جاققانی و راسق در جرك نژاد مندان در آمده اند
و برتری های پشمار را دارا میباشند و از هر گونه بدی
آزادند و گروه بزرگان که کشیدگان هم در میان آنان
میباشند - دوم گروهی که در جرك بنندگان و بردگان
بسته و به پادشاه زیر دست و بدی سرشمار میباشند
(بقیه دلدرد)

از برای آگاهی بر شمار زیر
که سر شماری نمیدهند در کارست که برخی
زیر دستان را که به او سر شماری میدهند هر پست
سال يك بار بشمار آورده و نام نویسی میکند و این
آیین را پتر نخستین که پتر بشمار مردم پرداخت در
سال ۱۱۲۵ همی زیردستان او که مردان سر شماری
بده بودند (۵۷۹۴۹۲۸) پس از چهل سال که سال
۱۱۷۵ بوده باشد دوباره شمار آوردند سر شماری گذار
به (۷۳۶۳۰۴۸) رسیده بودند - پس از آن در سال
۱۱۹۵ کترینه در این ناره کوشش بشمار نمود و بار
چهارم بود که مردم شماری میپرداختند در این بار
هم مردمی که سر شماری میدادند شمارشان را نوشتند
و هم کسانی که سر شماری نمیدادند همی را بشمار
آوردند و پیش از آنکه آغاز بکار نمایند نخست کار
گذاران درست کردار گردان برگزیدند و پیش از آنکه
بسر شماری آغاز نمایند یافته ها در میان مردم پراکنندند
که اگر کسی نام خود را بشمار نیاورده و پنهان دارد
پاداشت سخت به او داده خواهد شد - پس از آن آغاز
بکار نمودند با مردمی که تا اینروز بدست آورده بود
سر شماری بده او به (۱۱۳۵۲۸۴۲) و کسانی که سر شماری
نمیدادند به (۱۴۸۵۶۸۷) رسیده بود و چون بر آورد
نمودند که پیوسته زن از مرد پیشتر است و کمتر نیست
پس در آنروزگار شمار زیردستان او به (۲۰۶۷۷۰۵۸)
کس رسیده بود - و از بخش دومی و سوم که مردمی که
بدست او افتاد و همچنین از گرفتن کشور (قورلاندا) با
برخی جاهای دیگر (۵۷۰۰۰۰۰) کس بر شمار زیردستان
او افزود و چادر نشینان هم که بیابان نوردند و شمار
آنان هم يك میلیون نیم میشود و دو بست و بست
هزار هم قزاق داشتند که همی آنان به (۳۳۱۵۲۰۵۸)
میرسید - و چون در روسیه از برای نگامداری
زندگان مردم کوشش بسیار مینمایند دنیا آمدگان
پیوسته بر شمار آنانکه بدرود زندگان گفته اند فزونی
دارد - و از روی شمار دنیا آمده و از دنیا رفتگان
که به امپراتور میدهند چنانچه شمار چهارم نگاشته
آمد از آنروز تا امروز که این نامه را مینگاریم که
سال ۱۹۱۰ میلادی باید چه میلیون هم بر مردم آنجا

مکتوب یکی از رجال محترم طهران
مؤید الاسلاما ادام الله توفيقه تسلی - از دخول
جریده مقدسه حبل المتین که مضمون شریف و مندرجات
غیرت آئینش روح بخش مردمان وطن پرست دولتخواه
است نمیدانم بچه زبان از حضرت یزدان تشکر نمایم که
مجدداً زیارت این فرخنده دفتر دانش که مورت
هوشیاری اهل بنیش است نائل شدم - از محمود
یکتا و خداوند دانا استعنا مینمایم که وجود اقدس این
همیون شاهنشاه و پدر مهربان اسلامیان پناه را که عصر
همیونش ترویج بازار فضل است محفوظ فرمایند - چگونه
شکر این نعمت عظمی را میتوان گذاشت که همایون از
نتایج و نمره دوره عصر مظهری آثار فتح و ظفر گوشزد
طالبان و آب از دست رفته ایرانیان بجوی خواهد آمد - زیرا
که آثار و علائم دهر شاهه حال آسایشان است که بزودی
این ملت عظیم و دولت قدیم لباس تازه خواهد پوشید
و باهالی وطن عزیز فرح بی اندازه رخ خواهد نمود
از این مغرب منقح ها که بواسطه برکت وجود پادشاه
و حسن اقدامات این وزیر نا تذبیر بظهور میرسد نمایان
است که ریشه و بیخ اجانب از بیخ کنده و علم فیروزی
وسعادت در وطن عزیز ما افراشته و به بقای وجود مبارک
این شاهنشاه دل آگاه و تفکرات مفیده این وزیر دولتخواه
ملت پرست بایزده خواهد ماند (بعون الله و توفيقه)
از طرف وطن پرستان ایران بوصول جریده
مقدس کلبه اداره جلیله حبل المتین را با هزار زبان تبریک
میگویم و الحاق از این موهبت نمایان و عطیت بی پایان
چگونه میتوان دوسده تشکر برآمد و غنیمندی انبالی

وطن خود را چه قسم محبیه توان کرد که محض جهت حب وطن تا چه پایه استقامت و تا چه اندازه مافوق انسانیت را طی کرده اند. برای استقلالیت دولت و حفظ و حراست اهالی وطن ترك خانه خویش نموده در مملکت خارجه و قنات بعبده ساکن باین حال دست از حقوق ملت و دولت برنمیدارند شب و روز هم خود را مصروف بحفظ حقوق ملی و صلاح وطنی میبایند. از این شایستگی و وطن خواهی که مخصوص ایرانیان راست حق افتخار بکره ارض خواهیم داشت

در شماره (۳۱) که شرحی از جزایر تیب و ابوموسی ذکر شده بود اگرچه اداره جلیله مقدسه از طرف اهالی وطن خویش در صدد جواب روزنامه (بمبئی گزت) خوب برآمده اند ولی خیلی محل تعجب و دور از تمدن است که هرگاه شخص در صدد حفظ و حراست ملک طلقی خود برآید سخنان و تهدیبانه غیرمنصفانه میشوند. اگرچه رجال دانشمند سخنی را که مایه تندر و اشتهزاز است وقتی نخواهند گذاشت در حقیقت این شکایت را باید از وضع حالیه کون و دهر نمود -

۱ - زیرا که خداوند را نظر مرحمت با اهالی مملکت ایران است و انشاء الله در این عصر همیون که ملت ایران بهوش آمده و خون تازه در هر روقشان جریان گرفته اهم از حفظ حدود خویش شاید در جلب حقوق از دست رفته خود هم برآیند -

(ع - الف - افشار)

مکتوب خیرخواهانه

چه بسیار ظاهر و آشکار است که اس اساس تمدن و تقدم و ترقیات باشندگان خوش بخت فرنگستان و بنگ دنیا در امور دنیوی و زندگی از قوت و قدرت و برکت و میمنت قانون - قانون - قانون است بهترین قانون ها قانون خدا و احکام خدا و ائمه هدی عیبه الصلوات والسلام است

قدیم ترین ملل تمدن روی زمین و جوهر طوایف آسیا ملت محترم ایران است

نیکو ترین ممالک مشرق زمین از حیثیت خاک و آب و هوا خطه بسیطه ایران میباشد

در این صورت هرگاه اولیاء دولت ابد مدینه قلباً

و قویاً بنخواهند احکام قرآن مجید را در ایران جاری کنند و بعلت تنگی وقت در فروطت از قانون عثمانی و انگریز که از هندوستان حاریست اخذ بایند اجرای جعلی بسیار آسان است

احکام قانون عقلا و حکمای نصاری در میان ماله وحشی اجانب در هر جانب باعلی درجه جاری شد احکام خدا و ائمه هدی عیبه السلام که هزار و سیصد سال قبل در ممالک اسلام جاری و ساری بوده است حالا چگونه اجرا نمیتوان نمود

اجرا و احکام خدا و پیشرفت منظورات عادلانه سلطنت عظمی فقط ابرار همت ملوکانه و صداقت و کفایت رجال دربار شاعانه را لازم دارد

دوات علیه عثمانی با وجود دریای قرض و آن همه دشمنان پر ثروت و سلطوت بك طرف ما دولت روس کوس زده و دفاع فرمود - يك طرف اجرای قانون نمود و باین جهت مات را حیات تازه بخشود

دوات ژاپون از کرامت قانون راه سیصد ساله را سی ساله پیود

خلاصه چون اکنون رای جهان آرای اقدس مقدس هایون باحرای قانون علاقه یافت و در این باب فرمایشات مؤکده ملوکانه فرمودند خوب است که وزارت عظمی اول سفراء مقیمین فرنگستان بلکه فرزندان ایشان را هم که بخوی تربیت شده اند بدربار طهران احضار و در سلك وزرای عظام و مأمورین والا مقام داخله منسلك فرمایند

و بموجب رای ملک آرای حبل المتین تربیت یافتگان ایرانی از خارجه و مسلمین تبعه دول متحابه و از طایفه زردشقی بمبئی طلب فرموده و اسباب تکمیل نواقصات و رفع احتیاجات فراهم نمایند

لی یکی از رجال نامی و گرامی جناب شمس العلماء سیدعلی باکرامی اند که از جمله سادات جلیل القدر هندوستان و احله فضلالی اسلامیان و دارای حقایق حکمیات و دانای دقایق ادبیات و صاحب علوم جدیده و کامل ار السنة عدیده و جامع صفات حمیده و اوصاف پسندیده اند

(جز بخردمند مفرما عمل)

(گرچه عمل کار خیر باشد نیست)

مکتوب دانشمندان

خدمت جناب مؤیدالاسلام با کمال احترام زحمت عرض میدهد - در روزنامه مقدس جبل‌الکین از نابت ایرانیان مقیمین خارجه و مسامین و زردشقی تبه دول معظمه که از هر جانب در مدارس اجانب تحصیل و تکمیل یافته و مستعد خطبات عالییه و مستوجب عنایات دولت عالییه و بجهت ملازمت از فرنگیان عمرات بهتراند با مختصار مرقوم رفته بود با دقت بسیار ملاحظه نمود هانا از رجال نامی شیعه هندوستان نام جناب شمس‌العلماء سیدعلی باگرامی بیان شاه بود - علی‌مراتب دانش و بینش و کالات و هنر و کفایت این سید حایل‌التدر از فرط عیان محتاج بیان نیست

اما یکی از نخبای ایرانی که در تحصیل علوم زراعت و فلاح و غیره خیلی زحمت کشیده و در مدرسه عالی لندن تکمیل یافته اند جناب میرزا مهدی‌خان میبایند که داری چند گونه لفظ و دانای چند گونه لغت و از اجداد اجداد مرحمتشان مهدی علی خان نواب خراسانی اند که در وقایع اوائل سلطنت خاقان مغفور فتحعلی‌شاه در ناسخ‌التواریخ ذکر می‌گردد از آن مرحوم شده است - پدر نواب مرحوم حکیم شه‌شاه شهید نادرشاه امشار و در پیشگاه آن پادشاه عظیم‌الشان مغرب بودند - مهدی علی‌خان نواب ندیم پادشاه غفران پناه شاه رخ‌شاه که در اواخر بسمت سفارت مأمور دربار دولت عثمانی شدند

باری هرگاه اولیاء دولت عالییه انظباطات ایران را طالب و ترجیح یگانه را بر یگانه راغب باشند بدیهی است که اشخاص هنرمند و با علم و کفایت امثال جنابان شمس‌العلماء و آقا میرزا مهدی‌خان از حضرات شیعه و سنت جماعت باشند هندوستان تواند طلب کنند - فرضاً کمایت نکند تربیت یافتگان زردشقی هر قدر برای هرکار لازم باشد حاضر و موجود میباشند مظهر است که مردمان کامل کاردان از - همین تربیت شده در خاک عثمانی و روسیه هم دستیاب گردد اکنون ۹ میلیون یعنی نود لاک جمعیت مسلمین مقیمین خاک روسیه میباشند

بر واضح است که چند نفر هم از میان این همه جمعیت میتوان یافت هرگاه رجال کار آگاه دربار طهران

ده نفر ایرانی با کفایت را از خارجه احضار فرمایند یکصد نفر ایرانی که عیال و اطفال و بستگان این ده نفر باشند عود بوطن مالوف خواهند نمود و بواسطه این صد و ده نفر هزار نفر از مهاجرین مراجعت مینمایند - دیگر از طایفه زردشقی که ده نفر که احضار شوند علاوه از یکصد نفر متعلقین ایشان یکصد نفر از زردشقی بزدی و کرمانی بجهت ترجمه و ملازم همراه آنها طایفه ایران میشوند و این یکصد نفر هزار نفر عیال و اطفال همراه خواهند آورد بلکه باین وسیله متدرجاً پنج هزار نفر زردشقی که از ایران جلا وطن کرده اند عاودت مینمایند

دیگر ده نفر که از سایر مسامین خارجه طلبیده شوند مانند دیگران مع متعلقین خواهند آمد معلوم است از این سی نفر با بستگان که وارد ایران گردند و هم‌ریک را خدمتی که شایسته علم و کفایت او باشد بوی داده شود با مواجب کمتر و صداقت و درست کاری بیشتر از فرنگی کار را انجام میدهند و بهات خوبی آب و هوا و کثرت انواع نعمات الهی جللی در ایران خواهند ماند و آنچه دولت علیه پول بایشان اعطا فرمایند با سرمایه خودشان در ایران خواهند نهاد هیچوقت مایه ضرر و درد سر ملت و دولت نخواهند شد

در صورتیکه دولت علیه اجراء احکام قرآن مجید و قانون مفید در تمامت ممالک محروسه فرمایند و از اوار آن تمام ایران روشن و خاطر ایرانیان گلشن شود و امنیت امنیت و آسودگی و آزادی قسمت عمومی گردد سالی یک میلیون مسلمان خاصه شیعیان رو بممالک ایران نهاده و طایفه هزار گونه آبادی میشوند چنانچه چند سال است رو به ممالک عثمانی گذاشته مایه مزید آبادی شده اند

اجراء قانون در ایران نه تنها ایرانیان را زنده و نازنده خواهد ساخت بلکه در مدت ده سال یا بیست سال کرورها از مسلمین خارجه را که از فلاکت قرین هلاکتند بایران کشانیده بزراعت و تجارت مشغول و مشغوف خواهد داشت - اجراء احکام خدا و اثه مهدی مایه فائده عام و ترقیات دولت اسلام و احیای امت حضرت خیرالانام علیه الصلوة والسلام خواهد بود اما بجای نماند اینجاست بلکه هرگاه رجال سب‌توده

حاصل دربار طهران منصب جلیل وزارت و خدمات عمده پی در پی با جانب مرحمت فرمایند نخستین آرامنه دور آنها را گرفته بزودی اسباب ثانی مسئله عثمانی بجهت ایران میشوند چنانچه ذره از نمونه آن در تبریز نیز روشن تر از آفتاب شد و این مطلب در پیشگاه پادشاه سعید شهید بارها معروض گردید

ثانیاً اجاب از هر جانب از راه و چاه کاملاً آگاه گشته و روزی برسد که هر یک از دشمنان آسنگ جنگ با دوات ایران کنند ایشان بواسطه اتحاد دین و حصول نیک نامی مدامی در میان هم کیشان و فوائد دائمی خودشان مسالماً مقدمات الحیش میشوند - چنانچه در دوسه سال گذشته دیگران در ممالک آسیا و افریقا شدند - حالت حالیه آجماها چرا مایه عبرت ایرانیان نمی شود گویا هنوز چه اصحاب کهن بخواب اندرند اما معلمین بلجیکی بجهت انتظامات کمالات لازم بود ولی اعطای عنوان وزارت واجب نبود - اکنون برای انتظام ضرابخانه هم محتاج مأمور با علم و کفایت خارجه هستیم ولاکس باید در سه سال الی پنج سال از خودمان و از آن دو فرقه ممدوح آدم انتخاب نموده و بیگانه را روانه بنایم - واضح است که در اداره عسکریه و بحریه هم نگاهداشتن معلمین خارجه زیاده از چند سال صلاح دولت علیه نیست - مات محترم اسلامیة ایران از مراتب صداقت و کفایت و درستکاری امرای ارمنه که پدر بر پدر پرستنده تخت و تاج کیان میباشند نهایت رشایت و خوشنودی را دارند - و چشم داشت همین گونه خدمت و محبت از اولاد امجاد جاکی میباشد ولی مقصود از تحریر سابق این بود که زیاده از قاعده خدمت بعوام آرامنه داده نشود که هر روز در يك شهرمانند تبریز فتنه و غوغا برپا شود و در آخر دولت مجبوراً مانند دولت عثمانی با مفسدین رفتار فرماید و مقصرین را سزا و جزا دهد

سحن بسیار بود اندیشه کردیم

صبوری و ادب را یشه کردیم

قابل توجه حجج الاسلام

مکرر این مسئله بسمع عموم قراء محترم رسیده و در مقرر اسماع شیخ و شاب جای گیر گشته که ارتفاع نشون هر ملت و ترقی هر قوم از حنیض جهالت و

ذات باوج آسمان اقبال و شرف را رابطه نامه است بهمت عالیة رؤساء و خیالات بلند اطظم قوم - کسانی که در ملت نفوذ کله دارند - آنانکه هرگونه قدرت و تصرف در نفوس یاصدور ملت را مالک اند - اشخاصیکه نام در اصفاء کلمات آنان مطیع و متقادند خواه اطاعت شان از طریق سلطه تشریعییه و انتساب بعالم غیب باشد - و خواه بواسطه قوه جدیه و استعمال لوازم ظاهریه شود - در تاریخ فلسفه ثابت و محقق است که ترقی و تنزل ام و ملل بر دوگونه است

نخست آنکه بمقتضی سیر طبیعی تمدن و توحش است و حرکت قهری صعود و هبوط - پس ترقی حرکت بطرف برتری و رفعت است که سیر بجانب حیات و زندگی باشد و تنزل نقل بمرک و اضمحلال است چه مرگ و حیات ظاهری باشند که عارض ماده و جسم است یا آنکه موت و زندگی حقیقی که در کیفیات زواهرض است و همیشه این جرخ را گردش است و ارتفاع و انحطاط مال را علت و سبب از این رو معروف گشته که (تاریخ همواره خود را بر میگردد و دور میزند) و نیز گویند (هیچ امری بکمال نرسد جز آنکه نقصش ظاهر گردد) و درین عوام نیز مشهور گشته (فواره چون بلند شود سرنگون شود) و این حرکت را ترتیب معین و نظام صحیح در دست بست با که شبیه است بحالت میزان الحراره (ترمومتر) که هر ساعت شانی بخلاف دارد (وکل یوم هوفی شان)

دوم آنکه بواسطه امری فوق العاده و اتفاق است بدون انتظاری از سابق که تصادف خارجی یا توافق قضا و قدر (باصطلاح متشرعین) توان نام نهاد - مثل توجه رؤساء و بزرگان و ارباب کمال نافذ و قدرت کامله در صلاح یا فساد - در صورت اول تقدم و ترقی چون موافق حرکت طبیعی است لامحاله تدریجی است نظیر حرکت و سیر انسان یا حیوان بالمکس اگر ترقی مستند بواقعه غیر مترقبه باشد با سرعت هر چه تمامتر در میدان مسابقه از همکنسار کوی سبقت میرایند و در اندک مدت راههای دور و دراز که اقوام دیگر بطول زمان و تحمل مشاق پیموده اند طی کنند نظیر سیر قطار شمند فر که روزی معادل با سیر يك ماهه آب و سه طاعه انسان راه پیماید - و این معنی را سری

در بگون نوع بشر مستقر است که موجب تحیر عقول و تعجب نفوس است قوه الهیه و قدرت فوق العاییه توان گفت - چنانکه حکیم فارغ و فیلسوف کامل گفته است ان لله فی الخلاق سرأ * من سارقه نمار العقول تلامه والله حکمت من حکیم * لنظام الوجود اصل اصیل و انواع الالسان ذالخر اصل * احتوت تمها جمیع الاسول لکن اللهم بعد ذات انقلاب * استذات لها رقاب الفحول انما العلم کالسراج المنیر * والسراج المنیر خیر دلیل از این رو ارباب حکمت عملی و اصحاب فلسفه تاریخی گویند دو عالم هیچ چیز را آن مقدار اثر در خیر و شر همومی و نفع و ضرر ملی چون حالت رؤساء روحانی نیست از آنرو که این فرقه را در ارواح و صدور قوه نافذه و روحانی کامل است - پس اگر میل این گروه بطرف اصلاح ، نواح و دفع مضار و آلام ، منطف و مایل شود باندک مدتی آثار رشد و فلاح و علائم سعادت و اقبال در سیاهی ملک و مات طاهر شود نواقص تکمیل و خرابیها آاد گردد و چون بجانب فساد و انحلال ، توجه کردند نیز در زمانی قابل دلائل ضعف و نقصان و شواهد مذات و خذلان پدید آمد اگرچه اولیاء دولت و ارباب استیلاء را نیز در باب ترقی و تنزل مدحیات نامه و وساطت کلی است و تجربه و امتحان معلوم شده است که هرگاه سلطان بسمت آبادی و عمران و عدالت عاف عنان نماید مات در مدتی کم صاحب شرف و افتخار و دارای مرتبه بلند و مقام ارجند گردند چنانچه در بسیاری از ممالک سرمایه سعادت اهالی سلاطین عالم دادگر عاقل بوده اند مانند بطر کبیر و شارلمان و امیر افغانستان و غیره - ولی ازین نکته صرف نظر نتوان نمود که تاثیر اقوال و اعمال طبقه روحانی و رؤساء مذهبی که نافذ در ساور و ممالک عقوائد هزاران مرتبه از ارباب سلطه و قدرت زیاده است - چرا که این حزب زمام عادات و اخلاق و روش و سلوک عامه را در دست گرفته اند - ملت را در کلیه مهمام نظر بر روش آنها است - و در حدیث شریف جوی (ادا فسد العالم فسد العالم) صریحاً این معنی مندرج کشته است - و سر امر آستکه چون عالی فاسد شود چون عموم را نظر بر حرکات او است بزودی اخلاق عامه خراب و فاسد گردد کذب و پنهان حیل و دسیسه قلب و تدویر نگرانی

و شیعت در بین خلق ارواح باید و هرگاه اخلاقیات صحیحه و پسندیده و صفاتش حسن و محموده شود هر آینه باندلا مدت همگی ناسرا همان اخلاق و روشن خلصل شود - یکی از محققین مسکوید شناختن حالت اهل آن هر بلد موقوف بشناختن رؤساء مذهبی آنها است - نظیر آنکه شناختن محصولات هر زمین موقوف بمعرفت آب و هوای آنسر زمین است ولی حال ارباب شوکت و استیلاء نه چنین است - فی المثل امیر افغانستان باوجود کمال هوش و درایت و نهایت توجه و اهتمام بتربیت ملت افغان و اجتناع هرگونه اسباب و لوازم منقضه عمده آنها همراهی انگلیسان بود مع ذلک چون جنبه روحانیت نداشت یعنی مات او را واجب الاطاعه و مسموع الکلمه نمیدانستند چندان سعی و کوشش و اهتمام مفید نیفتاد و مقبول طبایع عامه نگردید و با آنچه زحمت و سهارت و صرف وقت و عمر و بذل مال و منال که شرح آن مفصلاً قلم خود آن مرحوم مرقوم شده است بمقاصد عالیه خود کامیاب نگردید و نتوانست اهلیرا در جاده تمدن و تربیت اروپائی داخل نماید بلکه راضی کند - و لا اقل عقد افاق ملی واحداث قوه حساسه در خان مات نماید و هیئت قومیه را ترقی کاملی دهد لذا اغلب مساعی و مجاهدات آن راجع شد بارتضاع شتون دولت و ازدیاد قوای عسکریه و اصلاح مالیه و گرنه مات افغان هنوز هم تقریباً همان ملت است که سابق بود و اگر تفاوتی حاصل شده اندک و غیر قابل اعتبار است - اما اعلیحضرت میکادو امپراطور ژاپون باحفاظ ریاست مذهبی و نفوذ روحانی که او را بمنزله رب النوع بلکه رئیس ارباب انواع میدانستند چون در فکر اصلاحات و ترقیات افتاد در ظرف مدت قابل باندازه ژاپونیانرا بالا برد که بر فرزند آسمان و مملکت آسمانی غلبه نمودند و آسمان اروپ را از اختراعات و اکتشافات خود بشمار حسد تیره نمود - و دولت سیصدساله روضرا قرین توحش و انقلاب ساخت

بدیسی است که هرگاه شخص میکادو عنوان ریاست مذهبی نمیداشت موفق بانجام این مقاصد عالیه نمیکردید با مجرد اندک حرکتی موجب هزارگونه اختراعات ناس میکردید و رؤساء روحانی برسد او قیام کرده مانع مرهم میشدند - ولی پس از آنکه تمام افراد ملت اطاعت او را فرس عین

و موجب ارتقاع مقام و درجه خود در همه عوالم
میشمرند و او را بر هر چیز دانا و بینا تصور میکنند
لایحاله سیر از فرمایش نه ییچند - این استکه در عرصه
چهارده ساله این ملت را ترقیات سیصد ساله دول
اروپا حاصل شد (شاید بعضی بتعجب افتند که ما در
چهارده ساله گذشته ایم با اینکه میکادو زیاد ار
می و بیچ سال است که بر سر بر حکمرانی نشسته و
از بدو جلوس در صدد اصلاحات و رفع نواقص ملکی
و تعمیر و ترمیم خرابیهای سابقه برآمده است چنانکه
عموماً میگویند این دولت می و چند سال است که
قدم پیمیدان ترقی نهاده - اما سر چهارده آستکه ما مکرر
گفته و نوشته ایم تا در يك ملك قانون صحیح نباند
نمیتوان آنها را قابل ترقی دانست و این قانون عمومی در
ژاپون که ما خود از قانون فراسه است چهارده سال
است که در موقع اجراء آمده است یعنی در ماه فوریه
(۱۸۹۰) میلادی - نخست روز افتتاح مجلس مبعوثان و
وکلاء ملت و وضع قانون اساسی بود و در ظل این
دو عامل بزرگ در این عرصه تنگ این همه اقدامات
و پیش قدمی حاصل نموده اند

بنابر این مقدمات هر وقت در ملت رؤساء روحانی
مائل بجانب اصلاح شوند میتوان امیدوار بحال آینده شد
و دامنه مستقبل را روشن و منور گفت و مخصوصاً
ملی که چندان در تعلیم عمومی صرف افکار نکرده و
اکثر افراد از علوم بهره و صیبی ندارد حالت پیشوایان
دینی خیلی در بین آنها اهمیت دارد زیرا که نوع انسان
تا وقتی که تعلیم نگرفته و از وصول بحقیقت يك امر باز
مانده اند يك نوع حالت تقلید و تبعیت در طبیعت شان
مرکوز است که فطرتاً از اشخاصیکه محل و ثوق و
اطمینان آنها است پیروی کنند و افعال و اعمال آنها را
سر مشق کردار و رفتار قرار دهند - حرکت و سکون
آنها را دلیل بر صحت آن عمل شناختند و نظام طبیعی این
اقتضاء را در بشر بودیم نهاده است تا موجب پریشانی
و حیرت و سرگردانی و دهشت نگردد از آراه
که شخص باید یا خود راه را رفته و بقدم مجاهدت
پیوده باشد و اطلاع از سهل و سب و یست و بلند
حاصل کرده باشد یا آنکه از شخص خبیر دانا در سلوک
طبیعی تقلید نماید و کینه حیران و سرگردان شود

متابعت پیشوایان دین و استماع بیانات مروجین
شرع مبین در بین ما ملت ایرانیان و شیعیان بدرجه
اتم و اکمل رسیده ماکول مشروب ملبوس تکلم حوای
بیداری - و بالاخره هر حالت ~~سکه~~ در انسان است
شرط صحت آن را ادن و احاره علماء میدانیم و خیر
دنیا و آخرت خویش را در رضایت آنها میشریم
زیرا ~~سکه~~ شرعاً مکلف باطاعت اوامر و نواهی و
متابعت احکام ایشان هستیم چنانکه متابعت پیغمبر و
امام بر ما لازم است - ~~سکه~~ متابعت علماء که
نواب و حافظ شرع و موجب نجات خلق اند - و تا
علماء اعلام داخل در جاده ترقی آکونی نشوند و بوضع
حالیه مانوس و طالوف ~~نیک~~ گردند محال است ملت را
ترقی رخ نماید - این معنی در مسئله دعائیان بر همگان
واضح و روشن شد اگر مرحوم ابدقه مبررای شبراری
طیباته مرقده الشریف را آن رسوخ و نفود بود
چگونه میتوانست يك مملکت را بيك اشاره ارجحان گرگان
مغربی خلاص نماید آیا کدام دولت و ملت را این
ترتیب نا حال بوده و چه قومی اینگونه در فرمانبرداری
ساعی و مجد بوده اند - اگر چه مقام رفیع آنان زیاده
از آستکه این ماجیز سعی عرض نماید مع دالک چون
مأثر ترین بیانات و شیرین ترین معاللات خطابه است که
بلسان این بر و حاً خیر خواهی و صلاح یا الناس و
استدعاء و مسکنت شرح مقصد را بر طبق اخلاص
نهد مهر جان دانست خطابه دیل را بعرض علماء بلاد
و مروجین دین برساند لعل الله بهدینا سبیل الرشاد

خطابه مصلحانه

ای علماء دین و مروجین شریعت سید المرسلین -
ای مالکین ارضه مهسام مشروعه و حامیان شریعت
متدسه - زمام عتول و نفوس ما ه در دست شهاست
در دنیا و آخرت مشغول و مؤاخذار عزت و ذات
امت شما هستید - فساد اخلاق در شما بمنزله تولید سرس
در اعصاب ریشه است که بزودی تمام بدن سرایت
کند - وحس اخلاق در این طبقه بمثابة هوای خوش
است که موجب نمویانات گردد - پیرمیزید ارایکه خدا
نخواست در عداد علماء سوء داخل و محسوب گردید
و از قضاییکه بلم خود عمل نمینایند و برخلاف وجدان
و تکالیف شریعه حکم میکنند شمرده شوید - که ~~سکه~~

بدان واسطه برکت از ملک و مال برداشته شود. و غضب
 الهی همه را فرو گیرد. آسمان باران رحمت خود را دریغ
 نماید و زمین از محصولات خویش مضایقه کند. چنانکه
 حضرت صادق علیه السلام میفرمایند (فی مثل هذا القضاء
 يمنع السماء ماؤها و تجبس الارض برکاتها) روز جزا این
 همه فلاکت خالق را بر دمه شما ثابت کنند. بترسید از
 اینکه مورخان بنویسند در حق شما آنچه را در خصوص
 طبقه نصاری و روسیه نوشتند. اندکی صفحات تاریخ
 رجوع فرمائید در زمان بزرگبیر چه فتنه‌ها کشیشان
 بر پا کردند زمان او را رجال خواندند، هنگامی یا حوج
 و ماحوج نامیدند و در عاقبت حز ناکامی بهره بردند.
 فرزند او (الکلی) را بر صد پدر تحریک کردند این
 حرکات جاهلان را سبب ایجاد مذهبیه آنها
 میدهند. اگر شما نیز خدای نخواستہ سد طریق ترقی
 نماید به تنها خود را مورد ملامت عالم ساخته اید که
 نسبت این موانع را بدین حنیف اسلام دهند و زبان
 بدخواهان شریعت مقدسه هراء دراز شود و شرع
 شریف را و من و فتور رسد

پس بر شما لازم است بی وسیع و فصلی شمع
 از معلومات بروی مات بکشاید. آنچه برای الین می بینید
 مشاهده اعراض و منوط با هراس سازید. حق را از
 باطل و مهید را از غلط تمیز دهید بیانی ساده و روشن
 صلاح و فساد مملکت و دولت را در ظل حمایت اسلام
 سوام و خواص القاء کنید. در ترویج دین و قوت
 مسلمانان تا آخرین قدرت خود بکوشید البته شما اطلاعات
 از وضع عالم چون سایر خلق نیست. نکات هر امر در
 نظر دقتان پوشیده نباشد حالات چندی قبل و اختلال
 احوال و انقلاب عموم، تسلط آفاز و ضعف اسلام
 را مشاهده گردید. خیالات فاسده و مقاصد کاسده
 بعضی خاشان را در قوت اجانب و استیلای اهل کفر
 وضلالت و انتشار بدعت و دو هرا حجت شنیدید. اگر
 چندی بر این منوال میگذشت اسمی از اسلام و مسلمانی
 و نامی از شریعت هراء محمدی صلی الله علیه و آله مسموع
 نمیگردید. شما بودید که بر حسب حدیث شریف (اذا
 طهر البدن طهر القلب) ان بظهر علمه در صدد دفع
 بر رفع آن بر آمدید دولت علیه را متنبه نمودید و دست
 مفاول او را از غفلت بچاره اران کوتاه کردید

جزای خیرتان دهاد که برخلاف رؤساء روحانی هر ملت
 خلق را بتزیت و تمدن دعوت فرمودید و راه و رسم
 اسابت و اسلامیت بخلق نشان دادید از خدای متعال
 مزید توفیق شارا خواهانیم (اے خیر موفق و معین)

پس از تمزیرات سابقه معلوم شد که علماء اعلام
 باید نه تنها از علوم دینیه خیر و بصیر باشند بلکه از
 علوم لازمه در سیاست مدن نیز بر وجه اکل مسبق
 شوند تا بتوانند از ملت ودوات سرپرستی و نگاهداری
 نمایند زیرا امروز مسلم است که نگاهداری يك اداره
 بسیار مختصر بدون علم ممکن نیست فکلیف حفظ يك
 ملت بزرگی این است که در مملکت منتمده بجهت هر جزئی
 مشاغلی مدرسه مخصوص تاسیس میکنند و کتب عدیده
 تصنیف و تالیف. اگر ما بخواهیم با آلات قدیمه
 حریه امروز بجزگ برویم هر عاقل سفاهت ما را
 تصدیق مینماید همچنین اگر با اطلاعات سابقه حفظ
 استقلال خویشرا بطلبیم هرگز ممکن نخواهد شد

پس بالبداهه باید از اوضاع حالیه مسبق گردیم
 و احوال کنونی مال و دول را مطلع شویم مدارس
 عدیده خاصه بجهت هر چه از علوم و صنایع دانش سازیم.
 حرائد آراد منتشر نماییم. ملت را هوش اوریم. چرخهای
 مدنیت را بکار اندازیم. و ایسهمه باید بجهت علماء اعلام
 انجام پذیرد بلکه باحاط ریاست و بزرگی تکلیف خود
 شان است که خلق را بدین گونه امور تحریر و ترغیب
 نمایند. از بذل مال و منال و همت و توجه اندکی
 مضایقه بل محاطه روا ندارند. تا بوظایف ریاست
 خویش عمل نموده باشند چنانکه فریضه ذمت دوات
 در این مورد آنستکه از هیچ ساعده و همراهی کوتاهی
 ننمایند و اسباب سهولت ترقی را فراهم کنند.

در ممالک عثمانی و مصر علماء مذهبی زیاد از دیگران
 ساعی و مجدند در مساجد و منابر و درس آنچه دانند
 و توانند تا سرا بطریقه خیر هدایت کنند. راه و رسم
 تربیت بدانیها آموزشند. چنانکه امروز در خط مصره
 جناب فاضل یگانه شیخ محمد عبده مفتی دیار مصره
 ساعی را حقا بر خود حرام کرده است همه فکر و خیالش
 انتشار تمدن و تربیت و احداث مکاتب و ایجاد کار
 خفیات و اشکار بجزاند و وضع تعلیم صحیح است

شخصاً خود از اعضاء مجلس شوری (القوانین) است. تا بحال چندین روزنامه علمی و ادبی و سیاسی بهمت مرده این یگانة آفاق دائر شده است. سال گذشته بنفسه با وجود پیری و کسالت متحمل زحمت مسافرت گردید. اکثر نقاط فرنگ را سیر و سیاحت نمود و همه غرضش ملاحظه اوضاع مدارس و مکاتب بود که در هر شهر مدارس را بدقت مشاهده نماید. و طریق سهل و ساده که مؤدی به پیشرفت کار علوم و فنون گردد انتخاب و اختیار نماید. و قوانین معموله ممالک اروپا را بیچشم سر بیند. و از هر کوشه نوشته برای ملت برگردد. الحاق مساعی این عالم تحریر لایق هزارگونه تشکر است. علماء ممالک ایران تا کنون در این خط حرکت نکرده و از اهمیت این مراتب مخبر نبودند. همان بوضع سابق و طریق قته و اصول تنها سلوک مینمودند بلکه بعضی اوقات بارة محض عوام فریبی و جلب منافع شخصی خود را متبیس بلباس اهل علم نموده بدون هیچگونه دلیل عقلی و حجة شرعی افتتاح مکاتب را مانع شدند. و چون وزیر سابق با علوم عموماً و علوم جدیده خصوصاً عداوت فوق العاده داشت در مقاصد آنان کمک و همراهی میکرد. این بود که اینهمه انقلاب در ملک واقع گردید. ملت و دوات مشرف بر اضمحلال و انهدام رسید. رشته امور را از هم گسیخت. فقر و فلاکت بحال ملت راه یافت. ابواب سلامت بر عموم مسدود شد. تسلط اجانب زیاد گردید. آثار و علائم ضعف و فتور در ناصیه احوال عموم پدیدار گشت. بی نخستین عالی که بدین نکته بزرگ در ممالک ایران متنبه شد و بجانب تربیت و تمدن عطف عنان فرمود و دانست که باوجود اوضاع حالیه امور مختل شود جناب . . . حجة الاسلام آقای امام جبه حاجی میرزا ابوالقاسم است که در سه سال قبل از عتبات عالیات بشهر دارالخلافه تشریف فرما گردید. چون بر ظواهر و بواطن امور ملکی و ملی با دوربین خرد و دامان نظر افکند در نظره اولی فساد احوال و اختلال اوضاع و پریشانی ملت و ضعف دولت و فساد اخلاقی عامه و عدم انتشار علوم و معارف و لزوم حاجت باصلاح و ترمیم را متنبه گردید. و توجه بجانب

میین را فریضة ذمت خود شمرد. از فرط دانائی و کنایت خداداد و وفور ذکاوت و درایت و اطلاع از سیاست دانست که سرمایه این همه خرابی در وطن عزیز دو چیز است -
 اول فساد اخلاق مردم که ناشی از بیعالمی و بی اطلاعی شده .
 دوم وجود خائنین دین و دوات که در هوای اغراض نفسانی مملکتی را بهسوء نحس فروشد و امتی را بخیرالی فاسد تباه نماید و شرع شریف را توهین کنند زیرا که آنچه او از مضار حال و آینده این قرضه میشومه میداند فهم دیگران از وصول بان قاصر است - و این نقشه را که بدخواهان برای ما کشیده بودند تا بآخر مدنظر آورد. تکلیف شرعی و عقلی خود را در حمایت اسلام و تقویت سلطنت اسلامی و حفظ حقوق وطنی و سرپرستی ملت در دفع این غائله عظمی و سد این سیل عظیم که بسوی ملک و وطن میآید دانست. موقع را جای درنگ و مسامحه ندید. پس با تمام قوت در آگاهی ملت و اصلاح اخلاق عموم اولاً متوجه گردید نه بر وجه زور و اشتلم و جفاقی و جوب. زیرا که سیاست کامله امروزه مقتضی خلاف این ترتیب است باید بذایل و برهان معایب کار را نشان داد و زبان نرم و لاین خلق را متنبه ساخت تا رمیده نکردند و بهر باطلی مائل نشوند. نه چون بعضی جهال که محض شهرت و نام بساوین مختلفه موجب آشوب و شورش میکردند. بنام امر بمعروف یا نهی از منکر بر جان و مال مردم هجوم میکشند. شهری را مغشوش و جبهی را متهم میسازند و تانیا در کشف قبایح اعمال و افسال خائنین ذره فرو گذار نمود علناً و علی رؤس الاشهاد زشق کردار و رفتار و فساد نیت و سوء سرپرست او را بر عوام و خواص سبأ علماء عتبات آشکار ساخت و از بای نشست تا این شر عظیم را از سر ملت و دولت کوتاه نماید دیگر آنکه در ترویج شریعت اسلام مسامی حبیله بکار برد اهل طهران را خصوصاً. اهل بازار را که باهو و لمب و فسق و فجور و حبیله و تقلب مضاد کشته بودند بمواعظ مسته و صابح مفیده هرجاهه امانت و دیانت ترمیم و اصلاح نمود و در سبیل از بذل

بال و منال درین فرمود طبعاً با نصد تومان بفراہ و خنجر و همچنین مقدار بطلاب و سادات از جیب قنوت خود میدهد - علاوه آنکه تا کنون در طهران درس فقه و اصول بوجه مفید و صحیح گفته نمیشد اگرچه علماء اعلام در طهران زیاد از سایر نقاط است لکن طلاب و محصلین اهتمام لازمه را نداشتند این عالم تحریر طلباً تشویق و ترغیب نمود - مجلس درسی چون دروسهای نجف اشرف، منعقد کرد جز آنکه در نجف قال و قیل در مجالس درس زیاد است ولی در مجلس این مرد بزرگ احدی حق ندارد صحبت خارج از اندازه متعارف نماید و وقت دیگران را تضییع کند -

تا بحال از کسی دیده و شنیده نشده است که دیناری از احدی بیع اسم و رسم قبول نماید - چندان در معارف و انتشار علوم و ادب سعی است که نظیر آن اراحدی دیده و شنیده شده است بمطالعه جرائد و روزنامجات وطنیه که محرک سلسله حمیت بیات است شدتاً راغب و شایق اند - مخصوصاً جرائد آزاد که بر وجه صداقت و حدیث خوب و زشت را نشان دهد. انتشار و آزادی روزنامه مفید از اثر توجهات این وجود مقدس است امروز سرپرست معارف و حامی عالم مطبوعات جز این مرد بزرگ کسی نیست مخصوصاً جریده مقدسه جبل المتین که از پرتو اوست نیا رونق افزای ممالک ایران گردیده است - گاش در ده سال قبل چنان شخص عالم شامل سرپرست معارف نبود که تا کنون معارف ایران از دیگر ممالک برتری داشتی چون نمره ۲۹ جبل المتین را بعد از آزادی بحضور مبارکشان بردند در مجلس درس عرض آنکه دیگران سرمشق کردند شرح معنی در فوائد و عوائد هموم جرئت و جریده مقدسه بیان فرمود که تا آن روز در ایران چنین نطقی پرمغز از حدی شنیده نشده آنگاه میرزا حسین راقی موزع روزنامه را خواسته نظر بتشویق و ترغیب او سایر مستخدمین معارف و اراده اهمیت عالم مطبوعات آزاد یک سرداری ممتاز باو خلعت مرحمت فرمودند - این کمی از بسیار و یکی از هزار محمد اخلاق و محاسن صفات این یگانه روزگار است که اخلق وجود شریفش را باید علامت خوشبختی و سعادت و ملت ایران و دلیل فوقتات آتیه مملکت دانست - و امید

و اریح ملت اسلام بهمت بلندش بمراتب عالیہ و مقامات بلند نائل سکردند و این وجود بندها مصدر امور خلیل بزرگ گردد

باش تا صبح دولتت بدمد

کاین هنوز ارتعاج سحر است

اعلان چهارم اداره بلدیہ طهران

چون هر چیزیکه جزو عادت و هرکاری صحت فباین مردم مرسوم و معمول شد قلع و ضرر آن کتر محل توجه واعتنا - است معلوم است در امورات تنظیف هم که نتیجه خیر و برکت و رفاهیت و حفظ صحت عامه است اهالی شهر توجه و اهتمام ندارند جزو عادت و مرسوم آنها شده است و الا قلع و ضرر عمده مراقبت در اینکار بخوبی محسوس و مشهود است چنانچه فی الجمله در کار همسایه‌های مملکت خودشان ملاحظه نمایند فواید و منافع کثیره که از اهتمام در امورات تنظیف باید شان شده و میشود ملاحظت میشوند

از جمله قایده عمده عمومی اینها این است با اینکه

در ممالک وسیع اروپا که هر نفری علاوه از یک زن اختیار نمیکند و اهل سلاح و اشخاص سیاح هم مطلقاً زن اختیار نکرده اند کثرت تعداد نفوس آنها تحقیقاً بدرجه رسیده است که هر سالی دویست و شصت و دوهزار نفر بمملکت یسکی دنیا هجرت میکنند - و از نتیجه تنظیف و حفظ صحت است که هر ساله آسایش و تعداد نفوسشان در تزايد است - بالعکس در مملکت ایران که هر نفری از دوفزالی بیست نفر زن اختیار میکنند و اهل سلاح و صرباز هم زن اختیار کرده اند فزایش در تعداد نفوس و برکتی در نسل آنها ملاحظه نمیشود - و هرگاه کسی در جواب بگوید بسبب وجهت عدم توجه و مراقبت در امر تنظیف نیست شاید العیاذ بالله برکت از نسل اهالی مملکت ایران برداشته شده است - بدقت است ملاحظه نمایند اینستله هم راجع بنداشتن تنظیف است - زیرا اعمالی و افعالی از آنها ن ظهور رسیده است که مورد سخط و غضب خدایتعالی واقع شده اند اولاً خداوند متعال آبهای چشمه و قنوات را صاف و پاک قرار داده و بواسطه شستن لباس و بازچه‌هایی کثیف و ریختن نجاست در مجری و هرمانیکه باب آبها و حرصها می‌رود آب طاهر را نجس و کثیف

کرده میباشند - در صورتیکه میدانند موافق قانون شریعت مطهره در اوصاف ثلاثه هر آبی که عبارت از رنگ و طعم و بو باشد تغییری حاصل شود نجس و شربش حرام است - از آثار شرب همین آبها است که مردم قس قلب شده باینکه فرموده اند ارحم ترحم رحم کنید تا مورد رحمت شوید در حق یکدیگر رحم ندارند - و مورد غضب واقع شده برکت از نسل آنها برداشته شده است - هرگاه مورد رحمت واقع باشند بمفاد آیه شریفه (وبارکاء علیه وعلی اسحق ووس ذریعتهما محسن و ظالم لنفسه مبین) که درباره حضرت ابراهیم علی نبینا و علیه السلام وارد شده ایست برکت در نسل آنها ظاهر شود - باین وصف و ترتیب چنانچه عرایض این چاکر دولت ابدآیت را که محض خیرخواهی و رفاهیت عموم مردم عرض میکنند مترون صدق و صواب و صحیح می بینند - خوب است که اهالی شهر دارالخلافه در امور تنظیم و حفظ صحت که المال فایده اش عاید خودشان میشود غیرت اسلامیة خودشان را بظهور رسانیده اقدامات لازمه را بعمل بیاورند - و خاکروبه و زایل درنهرها و مجرای آبهائیکه آب انبارها و حوضها می رود در خیابان و مابریزند و اباس و بارچه کثیف در آب لطیف نشویند و در حق یکدیگر رحم نمایند تا مورد رحمت شوند - و من عاداتی را که منافی با قانون اسابیت است ارتقایل فراد کردن در بازارها که گاهو یا فلان جنس را داریم میبروشیم موقوف نمایند - البته هرکس هر چیزی که لازم دارد خریداری میکند محتاج باین فریاد و حرکات نیست - شاید انشاءالله از این شهر که پای تخت مملکت است بسایر شهرها نیز سرایت کرده متدرجاً اسباب همه نوع ترقی و آسایش حاصل گردد (کریم مختار الساطه)

اعلان پنجم اداره بلدیة طهران

بر مطالعه کنندگان اعلان عمره قبل واضح است که مقصود از این اظهارات مکرر اتمام نمودن طامه مردم در کلیة امور تنظیم شهره برکات و رفاهیت که موجب تضییع و تخفیف بی نوع بشر و منافی با قواعد شرع مطهر و آداب و رسوم اسابیت است - چنانچه فی الجمله متوجه و متذکر این مطالب باشند محسوس است که مراقبت در این امور تا چه درجه موجب صحت

نفس و برکت نسل و وسعت کسب و زراعت است و عدم مراقبتش چگونه مایه اضرار و اتلاف نفوس است هرگاه فقط از طرف اداره بلدیة اقدامی بشود کافی نیست زیرا صحت و تنظیم عمومی وقتی در این شهر حاصل و موجود میشود که اهالی ملت ضرر و خسارت خود را معاینه و مشاهده کرده بالطبع راضی و مایل به تنظیم گردند - بدعوض اینکه از صمیم قلب حاضر و مایل شده در ترغیب و تخریص یکدیگر مبالغه نمایند و بسال صرفه و صلاح خودشان را منظور دارند - بعضی اظهارات و تصورات میکنند که مانع از انجام کار و خارج از رعایت احوال است از جمله این مسئله است که برای خاطر مطالعه کنندگان درج میشود

روزی این چاکر دولت ابدآیت به یکتفر اظهار میکرد که باید مراقبت داشته باشی که همه وقت در ب دکانت با بزه و نظیف باشد شخصی که از قرینه خیلی صحیح و جلیل القدر و اهل فضل بنظر می آمد از پشت سر اظهار کرد که بعد از ظهور حضرت حجة عجل فیه فرجه این امورات صحیح و اصلاح میشود

جوابش داده شد که اگر این مردم انتظار حضرت حقی را دارند ~~که~~ صد هزار جاروب برای تنظیم کوچه و خیابان و حدود املاک آنها بار کرده بیاورد این چاکر دولت ابدآیت است و الا حضرت حجت برای نظافت قلوب شایها ظهور خواهد فرمود دیگر جوابی نداشت و ساکت شد - پس معلوم است که علت عدم پیشرفت کار این مردم زیاد است

اولاً علت عمده اینگونه تصورات و خیالات است نایاً بحکم اینکه فرموده اند العادة کالتبیة الثابته ترک عادت امریست مشکل بلکه روز بروز هم مزید خواهد شد یقین بدانید اگر شرب این آبها که مرکب از همه چیز است جزو عادت طبیعت نباشد بیم آنست که تمام بیهلاکت برسند ثالثاً تصور میکنند فرض از این اظهار ویا داوری ملاحظه جناب نفی است یا داعیه عقل و کالی است و حال آنکه قاطبة مردم را دارای عقل و فراست میدانند و ار ادنی ترین مردم هم خود را پست تر میشمارند و نیز محض خدمتگذاری بر خود فرض و لازم میدانند که مطلقاً مکرر ~~صکرده~~ و دلایل راجع بآن را بیشتر اظهار کند ولو اینکه در الطار قسم دیگر جلوه بدند

منجمله چیزهاییکه فباین بعضی از مردم مرسوم و معمول و جزو عادت آنها شده است - دروغ گفتن و شنیدن و کم فروختن و خریدن است در صورتی که ضرر کم فروختن و خریدن بسیار است
اولاً کسب حلال و حرام میکند که موجب عدم برکت است

نایباً رحمت عمده را که با بیع و مشتری تحمل میکنند چون در صدد مقبولیت یکدیگرند نتیجه جز وزر و وبال ندارد. همپطور دروغ گفتن و شنیدن مورد تخریب دین و آئین و موجب تصبیح طریق اطمینان و یقین است - چنانکه مشاهده میشود که به اعمال و افعال و اقوال احدی اعتمادی نخواهد بود - حق برادر را بر قول برادر اطمینانی نیست - و قسمی هم در اجرای ابتکار ساهی و حاشد که گوئی در مایش حضرت احدیت جل شاه را اطاعت میکنند یا امر سلطان و حکم حاکم را امتثال مینمایند تا که مأموری هم درین اجرای این امر تصور میکنند. و حال آنکه خدا باینکه مقرر ماید دروغ گوینده دشمن من است و تا چه درجه نبی در این امر فرموده اند - هرگاه در مقام انصاف نظر نمایند چه باعث شده که باید برخلاف امر حق رفتار کرده کم فروشی و خریداری و دروغ گوئی و شنیدنش و جزو عادت و رسومات کار خود قرار داده بدین واسطه خسرالدنیا والاخره باشد

دیگر اینکه بعضی از کسبه چنانچه زنی در بازار عور میبندد فریاد میکنند خانم شرعاً باید هر متاعی موجود است یا مریدی میکند میگویند آقا بفرومایید هر جنسی که لازم است حاضر است - اینحرکات مسلم تمام مردم است که برخلاف تربیت و رسوم انسانیت است - بعلاوه دایل بر عدم توکل آنهاست بلی بر هر نفسی لازم است که در صدد کسب و تحصیل روزی براید و بقدر قوه در امر معیشت و زندگانی خود اقدام و اهتمام کند ولی باین ترتیب سکه نوسل بمخلوق را بتوکل بر خدا ترجیح نداده در دکان خود متوکلاً علی الله بنشینند یقیناً هر کس هر چه لازم دارد خریداری می کند و آنچه که مقدر و مرزوقی است باو خواهد رسید و ابداً محتاج باین فریادها و از دست دادن طریق صحت اطانت نیست که وسعت و برکت بملکات اجمال واجناس برداشته شود

دیگر آنکه مکرر شنیده و دیده شده است که هر صنفی که صبح زود درب دکانشرا باز میکند میگوید بر شیطان و کم فروش و تارك الصلوة لعنت - و حال آنکه طریق صحیح آنست که در آن موقع ابتدا توکل بسم اعظم خدای متعال نموده بگوید بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من وسواس شیطان الرجیم - تا از نتیجه کسب وزحمت دائمی خودش بهره مند گردد. با این تفصیل گمان ندارم هر کسی را که از امراض نفسانی و باره ملاحظات زطل دور باشد و از طریق دقیق انصاف در این مطالب توجه نماید دیگر شبهه و تردید خیالی باقی نماند که بواسطه عدم مراقبت در امر نظایف محل و اکل و شرب برکت و وسعت از نسل و زراعت و کسب آنها برداشته شده و باعث ارتکاب اینگونه رفتار و کردار است که به بی تربیتی مشهور و بقر و فاقه دچاراند و فی الحقیقه مورد غضب خدا باینکه واقع شده اند خوب است مدتی هم هم خود را باین مسائل مصروف دارند و از عیوبات و نسیب زحمت کار خود مستحصر شده غرض را از میانه برداشته ترك هوای نفس و عادت نفس را کرده چاره حوثی نمایند - چنانکه بر طبق مضمون آیه وافی هدایة (الا قوم یوسس لسا آمنوا الی آخره) چون قوم یونس منظر و پیشانی شده بصدق بیت ایمان آوردند عذاب از آنها رفع شد - این مردم هم برخلاف گذشته فرداً فرد بدون ملاحظه اینکه چرا دیگری هنوز اهتمام نکرده است رفتار نموده بالطبع بقدر مقدور در نظایف محل و اکل و شرب خودشان توجه داشته باشند و هر چه که بقانون شرع انور مکلفند مجری و معمول دارند دروغ گفتن و کم فروختن و ترحم نکردن بیکدیگر را که بملاحظه صرفه جوئی اقدام میکنند و بالمآل همان اسباب ضرر عمده آنهاست متروک دارند - هرگاه امورات آنها از هر جهت منظم و مرتب شد این طریق را مستدام بدارند و الا عودت بطریقه اولیه خیلی سهل است مجدداً محض استحضار خاطر عموم اهالی شهر اطلاع میدهد بملاحظه اینکه احدی باسم اداره بلدیة اسباب مزاحمت نگردد بمأمورین اداره بلدیة از فرمایش و غیره بلیط داده شده چنانچه کسی باسم این اداره مطالبی اظهار و احدیر احضار نماید باید بلیط استخداش را درین اداره مطالبه نمایند و شناسند چنانچه مأمورین

اداره بلدیہ ہم کہ بلیط و اسباب مزاحمت کسی بشوند بدون ملاحظہ باین جا کہ دولت قاهرہ اطلاع بدہند تا رفع زحمت بنماید (کریم مختار السلطنہ)

اصلاحات جدیدہ یا

خیالات عالیہ وزیر اعظم

(از شماره ۲۹)

چهارم از طرق مداخل حکام مالیات و عوارض مزارع و قرای جدید الاحداث است زیرا کہ در ہر ناحیت ہر روز آبادی در اوردیاد است چنانکہ وضع کلیہ عالم بر این متوال مقرر شدہ ہرچہ جمعیت زیاد میشود و توالہ و تناسل پیش میگردد آبادی زیاد تر میشود کشت و زرع افزون میگردد قرا و مزارع احداث میکنند شہرہا و بلدان تشکیل میدہند و معلوم است حکومت کہ نکاشتہ را درو میکند در این مورد صرف نظر و چشم پوشی نخواہد کرد و اگر صاحبان املاک جدید الاحداث اندکی مسامحہ و مہمانانہ کنند و حکومت را یأس از مداخل خود حاصل شود آن وقت شاہ پرستی و خدمتگذاری و صداقت و این نعمت حکام را مجبور مینماید بر اینکه امر را بمرکز کل اطلاع دہند و طوری امر را مہم جلوه دہند کہ میزان مالیات آن معادل تمام عایدی آن ملک شود تا کہ افزون ولی ہر گاہ حضرت اجل را راضی کرد آن وقت حاکم مردی میشود خوش فطرت چرا بی سبب مسلمانان را صدمہ بزند و این فقرہ نظیر عمل اجزاء و مستخدمین کمرک در زمان سابق بلکہ در حالہ است مأمور ہر کہ را در راہ دید عیناً باید با اسبابش بادارہ کمرک ببرد تا آنکہ امین و درستکار بودہ تکلیف نوکری را بجا آورده باشد و اگر چیزی مزوع الورد دید فوراً اخذ و ضبط میکند ولی اگر سببش را چرب کردند و دیش را دیدند آن وقت میگوید مباشرت امور کمرک خلاف شرع و بخار ہر روز دہ ہزار مرتبہ اورا لعنت میکنند ولی خدا گواہ است کہ فرض من رفاہ حال مسافریں و آسایش از شر ظلمہ است و این وجہ را کہ بمن مرحمت میکنید محض نین و تبرک از شاہ قبول میکنم و گرنہ من علمی ہال مردم ندارم فقط مقصود خدمت است و کذاک اداره تذکرہ اگر بول مباشرت

رسید آن وقت تذکرہ حرام و بدعت متوکل عباسی میشود و گرنہ این مسافر لامحالہ یا دزد است یا فرار کردہ یا شری مدظن دارد اگر تذکرہ نباشد کارہا منظم نمیشود ~~ناکہ~~ در تذکرہ ہم دقہای کامل لازم است در آن سن را بیست نوشتہ شاہ بیست و یکسال و چیزی بنظر من آید داشته باشید

خلاصہ این فرقہ کہ خود را در نظر خادم ملت و دولت جلوه میدہند با ہر دو خیبات مینمایند از آن میگیرند و باین نمی پردازند

بچم از بابت اصابہ است چرا کہ آنچه در دفتر حکومت ثبت است یا دفتر مباشر اگر مطابقت با دفتر دستور العمل بمیند معلوم میشود تفاوت این مبلغ چہ اندازہ است اولاً ہر صدی لامحالہ باید مالیات بدہد خواہ دولت معاف نمودہ باشد یا نہ نمودہ باشد و دیگر اگر یک دکان زیاد شود لامحالہ مالیات بر آن خواہد افزود و اگر کم شود کسر خواہند نمود ولی کسر در پای دولت و زیاد در جزہ خودشان ہاں حکایت تقسیم ارث است

این گریہ میو میو کی با از آن تو

و این قاطر جوش لکد رن از آن من

در بنادر حوی و شہالی ایران سابقاً بواسطہ کمی مرادہ و قلت رواج تجارت خارجہ چندان معموریت و وسعتی نبود امروز دہ مقابل باکہ زیادہ ترقی کردہ است کہ اندک میزان آنرا از ~~کمرک~~ کمرک میتوان استنباط نمود (در سابق بلحاظیکہ در داخلہ مملکت رسم کمرک بود و از صادر و وارد سرحد حقوق کمرکی گرفته میشد تمام دخل کمرک بالغ بیک کرور و نیم نمیشد و امور کہ منحصر است بواردات از ممالک خارجہ بالغ بچند ملیون میشود) پس ہمین نسبت ہم در بنادر و سرحدات آبادی زیاد شدہ است انزلی مثلاً در سابق ہی چہل دکان زیادہ نداشت آنہم بوضع دہاتی و نا عسرت و تنگی امروز بالغ بچند صد دکان و دہ بیست کاروانسراہای بزرگ و انبارہای عمدہ دارد ممالک از روزیکہ سالار بیکریکی رشتی را بقبول ابدی خود آورده در جمع و خرج دیوانی ہماں حساب سابق منظور است نتیجہ این تفاوت آن شد کہ نصف کیلان متعلق بہ بندگان ~~ببین~~ گردیدہ مالک الرقابہ امالی

شده اند لشرحی در این مقام راجع براهانی شوسه محال رشت است که در اینجا ذکرش مناسب نیست انشاءالله در تحت عنوان مخصوص منصلاً عرض خواهد نمود) هشتم - فروختن حقوق دولت را باشخاص مثلاً در هر شهر لامحالہ اراضی چند متعلق بدیوان است از قبیل خندق و عمارات دولتی و میدانهای مخصوص مشق یا اردوی قشون یا قراول خانه و امثال آن . در سال گذشته حکومت کاشان مدعی شد که خندق شهر را باید بشکل اول نمود عماراتی که در آن واقع است باید خراب کرد هر چند اهالی محجز و الحاح نمود - اجازه نامه دولتی را ارائه کردند بخرج زلفت تکالیف مأموریت را نمیتوان مهمل گذارد عمل ساطقی است شوخی نیست خندق برای حفظ شهر لازم است و اکیداً از جانب دیوان حکم چنین صادر شده است و اگر مطالبه دیدن و رؤیت حکم میکردند دیگر حق این فضولها نداشتند . هرگاه مطالبه فراموش میکردند جبارت و گستاخی محسوب میشد مسئله مشکل شد و بجهت حل آن محتاج بریاضی و استعمال جبر و مقابله بود چون اهل کاشان هنوز بقیه علوم ریاضی را اورت از غیاث الدین جمشید داشتند بزودی حل کردند مجهول را ایکس فرض نموده بعد از چندین گردش مجهول معادل شد به مبلغ یکمصد تومان اسر گذشت و مسئله کشف شد حکم دیوان که شوخی نبود حالت ظرافت و مزاح پیدا کرد ترجم بر حال ~~مخبر~~ و ضمه لازم و واجب شد

هفتم - تعارف و پیشکش از رؤسای عشایر ~~که~~ بالاخره مال آن منجر میشود بزودی و رهزنی و تنگ آوردن همسایگان و رفع امنیت و آسایش از بلاد و طرق در سفر دوم ~~که~~ اعلیحضرت هاپون بفرنگ تشریف فرما میشدند چندان رطایبی روسیه از شاهسونهای سرحدی تلم و شکایت نمودند که مزاج هاپونی متعبر گفته دو جن مراحت در بندر آستارا که اول خاک ایران است تمام کدخدایان و رؤسای طایفه شاهسون را حاضر نموده لطق مفصلی مشتمل بر توبیخ و ملامت از حرکات و افعال آن طوائف فرمودند و بالاخره سرگند یاد کردند که اگر بعدها مرتکب این گونه افعال بشوید هیچ وجه ملاحظه در طایفه آنها نخواهد شد

قتل عام و قطع النفس کلی را حکم میفرمایند در این مقام جوابیکه این وؤسا و کدخدایان بخاک پای مبارک عرضه داشتند راجع بتفاوت و پیشکش حکام بود پس دستخط مبارک شرف صدور یافت ~~که~~ از این تاریخ و بعد احدی از حکام مرکزی آذربایجان و سایر نقاط جزء نیاید دیناری بیسج عنوان از این طوائف مطالبه نمایند خوب نتیجه این مسئله چه شد باید از علی قلیخان رئیس طوائف شاهسون و سمدالسلطنه پرسش نمود که حبس مشارالیه و گرفتن شش هزار تومان بجه عنوان بوده و بکدام اسم خلاصه نمیتوان این عشایر را مورد ملامت ساخت بلکه این پیران یار ~~که~~ محض خدمت دولت این حکومت را بر ذمه گرفته اند باید مصدر این شرارت و مرکز این خیانت دانست . علی عیبی بر او نیست چرا ~~که~~ با میرزا علی اسرخان از یک شجره طیبه هستند قال الله تبارک و تعالی (مثل کله خبیثه کشجره خبیثه اجثت من فوق الارض مالها من قرار) این زمان شرح این واقعه را مناسب این مقام نمیدانم در موقع خود آنچه گفتمی است گفته خواهد شد تا عقاید این گونه مردمان دیندار خوش اعتقاد ظاهر شود و همه کس را معلوم گردد که نتیجه تقویض امور بدست سفایان و آب داران و شیره چیان بهر از این نخواهد بود

هشتم وجوه حسابات و غرامات و جرایم و ده ~~یک~~ و ده یم و امثال اینهاست در دول متدنه هر یک از اینها راجع باداره خاص است مسئله مرافقه دخلی بحکومت ندارد باید راجع بمداخلت خانه شود قاضی در آن باب رسیدگی و حکم نماید جریمه و جنایت و ده ~~یک~~ و غیره متعلق بدیوان میباشد فقط اجزای او حاجی معین و مقرر است که قابل تخلف نیست و آنچه عاید شود بکسب آنها نخواهد رفت از اینجاست که احکام ظالمانه کمتر صادر میشود چون فایده شخصی بر آن متوذب نیست حکم باید البته بر طبق قانون و موافق کتاب مجازات باشد تخلف از آن امکان ندارد . ولی در عمالاک ایران چون کلیه امور راجع بحکومت است خود بشخصه در عمل مرافعات رسیدگی مینماید و بواسطه بریطی از این هم در صورتی هم که متدین باشند چه قدر تقلبات و اشتباهات واقع میشود آخر یک نفر چگونه متداند هم

قاضی باشد هم اهل اجراء هم مستوفی هم سرملو لاهاله. اکثر امور باشتباه کاری و تقاب میکنند اهل حیل و دسیسه زیاد میشوند مال مردم را بانواع حیل میبرند و میخورند و بنان عمل را بر حاکم بیاطلاع مشتبه میسازند که روز را شب و راحت را تعب تصور میکنند بهلاوه اطانت و دیانت اکثر حکام حلیه را همه کس از ما بهتر میدانند این است که این نفل را سرمایه بزرگی از برای انتفاع خود قرار داده اند چنانکه این مسئله را بعدها مفصلاً در باب اصلاح محاکمات مرض خواهم رسانید مقصود در این مقام فقط اشاره بطرق مداخل حکام است و بقول فصل میتوان حکم نمود که آب این سرچشمه از سایرین بیشتر و گوارا تر است و شاید چندان نیز محتاج باستدلال نباشیم ولی بجهت توضیح قدری شرح و بسط ضرر ندارد - پس گوئیم در ممالک اروپا دو نکت از محاکمات راجع بمسئله مرض و شرف است پای پول و ادعای ملکی درکار نیست ولی در ایران بمعکس بواسطه آنکه اهالی را چندان حس بیفاری نیست اوقات خود را صرف این گونه دعاوی نمیسازند و اغلب مراعات و محاکمات راجع بدعاوی مادی یا پولی است دیگر آنکه اسناد خارجه چون از مأخذ صحیح است کمتر قابل شبهه و جای تردید است بالعکس در ایران بواسطه عدم انضباط در دفتر و ثبت و رسیدگی و مراقبت و نبودن محلی مخصوص بجهت مهر نوشتجات شرعی و صرفی و کثرت اختلاف در احکام علماء بلکه ناسخ و منسوخ مجال شبهه و تردید و احداث خلاف و گسنگو زیاد میشود

دیگر آنکه اهالی خارجه بواسطه کثرت مشاغل و طرق مداخل و منافع وقت شریف و عمر عزیز را صرف اینگونه اعمال و مزاحمت خلق نمیانند و نیز بواسطه مراقبت شدیده و دقت زیاد در رسیدگی و غور در حقیقت امر و مخابرات در صورت ظهور خلاف و هم بجهت ترتیب و تمدن متعرض و مزحم نوع خودشان نمیشوند برخلاف هموطنان عزیز ما جز اشتغال بامور لاطایل که تضييع وقت و اتلاف عمر و مورت بیکاری و اذیت همدیگر است ندارند در این صورت مراقبات در بلاد ایران زیاد میشود و این معنی موجب کثرت منافع و ازدیاد مخمول حکام است و

نکته دیگر آنکه در اروپا بواسطه آزادی جرائد و قانون سخت مجازات و وجود محکمهای عالیه حکام مرافعه بسنی قضات چندان نمیتوانند برخلاف حق حکم نمایند بالعکس در بلاد ما چون خوف و ترس نیست حکام به بهانه های غیر موجه ناس را مملو و حریه میبایند و در مراقبات بر حسب هوای نفس و وجود منافع حکم میکنند پس راه رشوه برای آنها باز است و خلق نیز بطمع خوردن مال یکدیگر راههای دعوی پیدا کرده بزور رشوه و تقویت حکومت نروت همدیگر را تصرف میشوند -

نهم از طرق منافع حکام استنفاض از حقوق نوکرهای حکومتی محلی یا غیر محلی از قبیل نایب - فراش باشی - فراش - قنک دار - پیشخدمت و امثال اینها - توضیح آنکه در تمام ممالک فرنگ جمیع نوکرهای حکام صاحب مواجب و مرسوم هستند که هر ماه بلکه هر پانزده روز دریافت نموده و اگر اسب یا بارکش داشته باشند علاوه و علیق آنها نیز از قبل دولت داده میشود ولی در ممالک ایران نوکرهای حکومتی هرگز دارای مرسوم نبوده اند بلکه مخارج آنها از وجه خدمتگاه و قاق و مأموریت و جرمانه و مهلتانه و مخارج یومیه مأمور و غیره است و مفاسد این امر زیاده از حد احصاست منجمه آنکه در اضرار و ابدای حاق باقصی القوه و منتهی النسیبه کوشش و سعی مینمایند بحکومت که صاحب علم و شرف و ناموس است در نزد دولت مسئول و مواخذ در صورتیکه نیت خود قانع نشود و شرف و مرتبه خود را حفظ نکنند و از ترتیب و تمدن نامداً علماً چشم پیوند از فراش بی سروبانی که پدر و مادرش معلوم نیست و بجهت مخارج یومیه و تحصیل دو صراحی هرق و دو پیاله جای و یک سیر توتون معطل و سرگردان است چه توقع توان داشت وجه امید رحم و انصاف از او تنها کرد (جانی که شتر بود بیک قاز - خر قیمت واقعی ندارد) پس ایشان بجان و مال و مرض و ناموس خاق دست تعدی دراز و بای جسارت استوار میدارند نمود باقیه اسکر تقصیر آن شخص قدری بزرگ باشد هر آینه خانه و اثاث البیت آن را پستراج برده بضرر تیشه و انصافی ریشه خاق را میکنند اگر اتفاقاً آن شخص در خاک نیابد فرار مسکردن او را بپناه نموده بچنان